

یادنامهٔ پروفسور محمد شفیع موسوم به اذغان علمی (لاهور ۱۹۵۵) مقالتی تحقیقی نوشته است.^{۷۲}

دربارهٔ دورهٔ صفویه کتاب وقایع سنین آراکل تبریزی (Arakel de Tauriz) مأخذی جالب است که مخصوصاً شامل حوادث بین سالهای ۱۶۰۰ تا ۱۶۶۵ میلادی است و در آن از مصائب و آلام ارامنه در عهد شاه عباس اول سخن رفته است. این کتاب را نیز بروسه به فرانسوی ترجمه کرده است. کتاب دیگر تاریخ زکریای شماس (Zakaria le Diacre) متوفی در ۱۶۹۹ میلادی است که در باب تاریخ عهد صفویه و همچنین دورهٔ قبل از آنها نیز، با وجود اشتغال بر قصه‌ها و افسانه‌های مختلف، فایدهٔ بسیار دارد. باری کتاب وی هر چند فاقد دقت و انتقاد است و مخصوصاً از خلط و التباس در حوادث و اشخاص خالی نمانده است چنانکه در بیان تاریخ جهان‌شاه ترکمان و اخلاف او دوسلسله قره‌قوینلو و آق‌قوینلو را بهم خلط کرده است بعلاوه تمایل زیادی به نقل قصص و افسانه‌های عجیب نشان داده است با اینهمه درین کتاب اطلاعات سودمند راجع به آن دوره از تاریخ بدست می‌آید. وی چنانکه خود تصریح کرده است در نقل مندرجات کتب دیگر تقیدی به صحت مطالب و نقد روایات نداشته است و چون هر چه خواننده و شنیده نقل کرده است کتابش مشتمل بر قصه‌های باطل و حاوی اغلاط و اشتباهات تاریخی شده است و او از سادهدلی‌گناه این اغلاط و اشتباهات را به گردن مأخذ خویش انداخته است. باری ازین روایات مختلف بعضیها را وی از مادریا مادر بزرگ خود شنیده و بعضی را به چشم خویش دیده و یا از اشخاص مطلع اخذ کرده است. گذشته آن در بعضی موارد نیز به نقل مندرجات و روایات دیگران خاصه آراکل تبریزی پرداخته است. در ترتیب حوادث و نام سلاطین هم خلطها کرده است. چنانکه در باب شاه اسماعیل و شاه طهماسب برای وی اشتباه دست داده و قبل از شاه عباس از سه شاه اسماعیل نام برده است. از سلطنت شاه طهماسب تعریف زیادی کرده او را «مردی پرهیزگار، محافظه‌کار، دوستدار نصاری، عاری از خست، معتدل در اکل و شرب و مقتصد در لباس، بی‌تظاهر، که مثل عامه مردم لباس می‌پوشد» معرفی کرده است. دربارهٔ شاه عباس قصه‌های جالب آورده است و از گردشهای او که با لباس مبدل و گاه بعنوان خرده‌فروش دوره‌گردی می‌کرده است و همچنین از جنگها و سیاستهای او حکایات بدیع نقل کرده است. دربارهٔ این پادشاه بالحنی آمیخته

به نفرت می‌گوید: «حيله گربود... ودلش آکنده بود از شیطنت» همچنین مؤلف نسبت به ایرانیها بغض و نفرت بارزی از خود نشان می‌دهد. از جمله یک‌جا وقتی از قضیه قتل حمزه میرزا پسر شاه خدا بنده سخن می‌گوید می‌نویسد: «قوم ملعون ایران مرتکب گناهی شد.» جای دیگر بمناسبت شرح عیاشیها و هرزگیهای شاه عباس باز درباره ایرانیها بدین‌گونه اظهار نظر می‌کند: «ایرانیان که شهوتران و نفس پرست و هرزه هستند با هر کس که توانند زنا می‌کنند اما اگر کسی به زنهاشان نگاه کند این کار را گناه بزرگ تلقی می‌کنند و اهانتی در حق خویش می‌شمارند.»

زکریا دربب شاه سلیمان صفوی نیز قصه‌های حیرت‌انگیز می‌گوید و او را متهم به قتل مادر و خواهر و پسر خود می‌کند و اینها ظاهراً شایعاتی بوده است که در بین ارامنه آن زمان راجع به این پادشاه رواج داشته است. زکریا در تاریخ و ژوئن ۱۶۷۹ میلادی به روزگار شاه سلطان حسین وقوع یک زلزله بسیار شدید را در حدود ایروان ضبط کرده است که می‌گوید دنباله آن چند هفته طول کشید. پیش از آن علائم وحشتناکی در آسمان مشاهده شد که عبارت از ظهور ستاره دنباله دار بود که قریب یک هفته گاه در آسمان ظاهر می‌شد. تفصیل این علائم و آیات سماوی را زکریا بالحنی آمیخته به مبالغه زاهدانه بیان می‌کند و اینهمه را از آثار غضب خداوند نسبت به خلق می‌شمارد. نیز از دوره شاه سلطان حسین روایاتی دربب احوال ارامنه ایروان و نخجوان بدست می‌دهد که رنگ مبالغه دارد. همچنین اشاره‌ی به داستان ربودن و بزور گرفتن دختران رعیت برای شاه در کتاب او هست که نیز گزاف به نظر می‌آید و احتمال دارد بعضی از حکایات راجع به عهد شاه عباس اول را درین روایت خلط و تکرار کرده باشد. تاریخ زکریا بوسیله بروسه به فرانسوی ترجمه شده و در ضمن مجلد دوم «مجموعه مورخین ارمنی» او بطبع رسیده است.^{۷۳} این کتاب برای حوادث بعد از شاه عباس اول و وقایع سرحدات شمال غربی ایران و احوال ارامنه در آن ادوار بسیار مفید به نظر می‌آید و البته در استفاده از روایات آن توجه به تحریفات و اشتباهاتی که بعمد یا سهو در آن روی داده است ضرورت دارد.

از ماخذ بدیع که دربب تاریخ سقوط صفویه هست نیز می‌توان تاریخ «ایسائی» (Esai, Histoire d' Aghovanie) یا اشعیاء ارمنی را ذکر کرد. مؤلف که جاثلیق ارامنه بوده است در ۱۷۲۷ میلادی یا دوسالی قبل از آن وفات یافته است. این کتاب

درباب حوادث دوران انحطاط صفویه و انقلابات قفقاز و گرجستان در اواخر آن عهد از مراجع مفید است. مؤلف معاصر شاهسلطان حسین بوده است و نیز خود در دوره انقلابات قفقاز یکچند در دستگاه امیر گرجستان بسر می برده است.

اشعیا در آغاز کتاب به بعضی مأخذ یونانی و سریانی و لاتینی و حتی ارمنی که در باب تاریخ قدیم ایران متضمن اطلاعاتی بوده است اشارت کرده و از آنها نام برده و مخصوصاً فصل جداگانه بی به تاریخ سلاطین صفویه اختصاص داده است. روی هم رفته قضاوت او درباره شاهان صفویه ملایمتر از قضاوتی است که زکریا کرده است و تأثیر آراکل که اشعیا نیز غالب مطالب خویش را از او منقول می شمارد درین قضاوت و بطور کلی درین قسمت از تاریخ او پیدا است. درباره شروع انحطاط صفویه وی ملاحظات قابل توجه بدست می دهد. بموجب قول او، در عهد سلطنت شاهسلطان حسین نه فقط خراج و جزیه بی را که از ارامنه می گرفتند ناگهان چندین برابر کردند بلکه از عشایر و ترکمانان هم مالیاتهای هنگفت تازه مطالبه نمودند. بر حسب روایت وی «تمام این مصائب که عبارت از بدعتهای تازه بود اضافه شد بر تحمیلات قدیم که بر شانه مردم باری سنگین می نمود.» بعلاوه تبدیل و تغییر دائم و مستمر عمال دولت مثل خان و سلطان و وزیر و داروغه و تحویلدار که برخلاف سابق متصل عوض می شدند و با تقدیم هدیه و رشوه شغل تازه بی گرفته بزور مردم را غارت می نمودند و جیب خود را پر می کردند این بار را گرانتر می کرد. این احوال بقول جاثلیق ارمنی عهد صفویه را از دوران قدیمتر متمایز و جدا می کرد. علی الخصوص که بقول وی «حافظان شریعت و ارباب محاضر و مفتیان و شیخ الاسلام و شیوخ و قضاة نیز در این امر همان طریقه حکام را سلوک می داشتند.»^{۷۴}

این شدت عمل و جور و تعدی که بسبب بیحالی سلطان از دست عمال صادر می شد مخصوصاً نسبت به اهل ذمه شدیدتر بود و با این ملاحظات جای تعجب نیست که در آن ماجرا فی المثل حتی زرتشتیها نیز با افاغنه یاری کرده باشند. به عقیده اشعیا چون ایرانیها قواعد و رسوم راجع به جزیه و خراج را که مسلمین می بایست در باب اهل ذمه رعایت کنند نقض کردند و فزونتر از آنچه بموجب این قواعد می بایست از آنها اخذ کنند بزور از آنها مطالبه نمودند «عقوبت الهی» بر آنها نازل شد و در واقع بی سامانی و پریشانی ناشی از بیحالی سلطان و تجاوز و تعدی عمال

دولت سبب پریشانی احوال آنها گشت و بقول اشعیا «ثروت مملکت نقصان پذیرفت.» مع هذا در تبیین این احوال و در ذکر مفاسد و بیدینی و خشونت و بیان بیرحمی و دیوانگی و اختلاف و معاندت ارکان و عمال دولت صفویه لحن کلام این جاثلیق ارمنی از اغراق و مبالغه خالی نیست.

چنانکه از کتاب تاریخ اشعیا برمی آید در اواخر عهد صفویه سوء اداره و ظلم و تعدی عمال و حکام دولت مخصوصاً در بلاد قراباغ و ایروان و قفقاز موجب نارضائی دائم رعایای آن حدود بوده است. این ظلم و تجاوز قطعاً از اسباب عمده اختلال و انحطاط قوای دولت صفویه بوده است. درست است که احتمال دارد در بیان و توصیف آن قدری مبالغه شده باشد لیکن بی شک اگر کتابهایی از اینگونه در سایر نقاط ایران و فی المثل بدست یهود و زرتشتیها و مسلمین اهل سنت تألیف یافته بود یا بهر حال در دست می بود قطعاً نمونه های بسیار دیگر از اینگونه مظالم و فجایع که حاصل و نتیجه سوء تدبیر و سوء اداره سالهای اخیر حکومت صفویه بود بدست می آید. از کتاب زکریا و کتاب اشعیا نمونه های بسیار حاکی از این سوء اداره و ظلم و تعدی می توان نقل کرد. فی المثل در از میر ارمنی بچه بی را که شاگرد کفشدوز بود بردند و بزور ختنه کردند. آنوقت چند سال بعد بیچاره را گرفتند و بر او تهمت مسلمانی نهاده به این بهانه که از اسلام بیرون شده است بشکنجه و هلاک کردند. این داستان را مورخ ارمنی با آب و تابی تمام ذکر کرده است. همچنین بموجب روایتی دیگر یک خان کرد عاشق زنی ارمنی شد و چون خواست بدو دست درازی کند برادر آن زن در رسید و کرد را کشت و فرار کرد. زن را گرفتند و پیش خان بردند. هرچه تأکید کرد که در دفاع از ناموس خویش به چنین کار اقدام کرده است مفید واقع نشد. خان از او درخواست که یا مسلمان شود یا تن به هلاک در دهد وزن ناچار تن به مرگ داد و کشته شد. بر حسب داستانی دیگر، شاه سلطان حسین از یک دختر گیلک خوشش آمد. دستور داد که چند دختر به همان شکل و صورت پیدا کنند و برای حرمسرایش بیاورند. عمال و عوانان همه جا دنبال دختران گشتند. بدروغ آوازه در افکندند که عده بی ازبک شیعه شده اند و باید دختران ایرانی به آنها شوهر کنند و به آنها زبان (فارسی؟) بیاموزند. آنوقت همه جا به جستجوی دختر برآمدند، دختران مردم را گرفتند و بعد از آنکه مبلغی از پدر و مادرهایشان بستند آنها را آزاد کردند. چنانکه تنها حاکم ایروان پانصدتن دختر دوشیزه را به این بهانه گرفته بود و تا از کسانشان پولی نگرفت آنها را رها نکرد.

می‌گویند بعضی ازین دخترها را که کسانشان پولی ندادند یا نداشتند که بدهند پیش شاه فرستادند و او چون آنها را نپسندیده همه را به نوکران و غلامان خویش داد. نظیر این حکایات که صبغهٔ مبالغه و گزاف در آنها مشهودست در روایات این مورخان ارمنی هست. حکایت بدرفتاری حکام در امر وصول باج و خراج هم آنچنانکه ازین روایات برمی‌آید خود داستانی دیگر بود. مثلاً عشریهٔ خراج وصول شده را که همان را بایست به خزانهٔ پادشاه برسانند بر اصل خراج می‌افزودند و آن را رأساً و دوباره از رعیت می‌ستدند. فرزندان رعایای نصاری را می‌گرفتند و آنها را بزور و امی داشتند ترك دین و مذهب خویش بگویند.

اشعیا در باب افاغنه بخطا رفته است. اصل آنها را از قوم قفقازی موسوم به «اغوان» (Aghovanes) پنداشته است. وی گمان برده که تیمورلنگ ۲۵ هزار خانوار از اجداد این قوم را از بلاد قفقاز کوچ داده است و در حدود خراسان و قندهار ساکن کرده است و از آن پس این طوایف که در اصل مسیحی می‌بوده‌اند به دیانت اسلام درآمدند. حاجت به توضیح نیست که بین افاغنه با اقوام قفقازی اغوان مناسبتی نیست. نه از جهت تاریخ و نه از جهت زبان. درین مقدمات انحطاط و ضعف دولت صفوی اشعیا تفصیلات زیادی راجع به حوادث شیروان و مخصوصاً راجع به شورش ممتد لزگیها و اقدام طوایف سنی وحشی‌گونهٔ آن قوم در فتح شماخی و قلع و قمع و استیصال شیعهٔ قزلباش در آنجا بیان می‌کند و خونریزیها و تعدیات آن طوایف را بایبانی مؤثر باز می‌نماید. مع هذا بموجب قول اشعیا شاید سلطان حسین بسبب اشتغال خاطر به امر افاغنه نتوانست جهت دفع این فتنهٔ لزگیها که امراء گنجه و ایروان را نیز مضطرب کرده بود اقدام جدی بنماید. لزگیه در آن نواحی تاخت و تازی و حشیانه و قتل و غارتی هولناک پیش گرفتند. بعضی از اهل گنجه درین احوال از ترس لزگیها ناچار متوسل به و خشک سلطان امیرگرچی شدند. و خشک نیز به آن حدود لشکر برد و این دفعه گنجه و شمکور و بردع تا نزدیک گلستان دستخوش گرچیها قرار گرفت و آنها درین غارت و تعدی حتی برارامنهٔ نصاری نیز ابقاء نکردند و بدینگونه آنچه از تجاوز لزگیها بازمانده بود به دست گرچیها بر باد رفت و سقوط صفویه بدست افاغنه که پتر امپراطور روس و همچنین سلطان عثمانی را به هوس مداخله در امور ایران انداخت و خشک رانیز که دلش بجانب پتر سلطان روس متمایل بود به هوس کسب استقلال افکند^۶ و قراباغ و آذربایجان و قفقاز عرصهٔ

تاخت و تاز و دستخوش تجاوز و تعدی گرجیان واقع شد. بدینگونه بود که کلام اشعیا درباره وضع انحطاط و سقوط صفویه مصداق واقعی یافت آنجا که می‌گوید: «همه کس داند که چون خانه یا عمارتی بزرگ یا خرد مستعد انهدام گردد نخست دیوار و پی از یکدیگر جدا می‌شود و شکاف برمی‌دارد سپس سقف فرومی‌نشیند و آنگاه بام خود فرومی‌ریزد و همین قضیه بود که برای دولت ایران اتفاق افتاد.»^{۷۶} نیز از ماخذ ارمنی، کتاب ابراهام است از آرامنه کرت که در اچمیادزین می‌زیسته است و کتابی دارد بنام سرگذشت من و نادر پادشاه ایران که ترجمه آن هم در مجموعه «بروسه» آمده است.^{۷۷} درین کتاب اطلاعات جالبی مخصوصاً در باب مقدمات سلطنت نادر و اجتماع معروف دشت‌مغان آمده است که بسیار قابل توجه است. این مؤلف خود شاهد عینی وقایع بوده و در ضمن آن ماجرای احوال مسلمین و آرامنه قفقاز را بشرح بازگفته است و داستان جنگ طهماسب (قلی) خان سزبور را با عثمانیها قبل از شروع سلطنت رسمی نادر بیان نموده است و درین جنگ برخلاف روایات مورخین ترك وی به تلفات سنگینی که برترکان وارد آمده است اشاره کرده است و خود در قسمتی از میدان جنگ عده زیادی از مجروحان را بچشم دیده است. شرح مجلس صحرای مغان که وی در مصاحبت خان ایروان و به دعوت طهماسب قلی خان، یعنی همان کسی که بعد بعنوان نادرشاه خوانده می‌شود، در آنجا حاضر بوده است نیز بایبانی جالب و دل‌آویز بقلم وی تجسم یافته است. وضع خیام و منازل صحرای مغان و زمستان سرد و برف و سرمای ژانویه سال ۱۷۳۶ در حضور رجال واعیان را در آنجا بایبانی واضح شرح داده است و مشاهیر رجال واعیان و وزراء و امراء حاضر در آن مجلس سلام را که بمناسبت عید فطر منعقد شده بود و همچنین تشریفات و جریانات دیگر آن ایام را با دقت و حتی با ذکر هیأت لباس و سر و وضع نادر در آنجا وصف کرده است. در آن مجلس از قرار روایت وی یک سفیر از دولت عثمانی و نیز یک سفیر از دولت مسکو حضور داشته‌اند. جریان مذاکرات و امضاء طومار راجع به قبول شرایط سلطنت نادر در این کتاب بتفصیل آمده است. چنانکه تفصیل خلعتها و تشریفات هم که نادر به اعیان و خوانین و رؤسا و امراء داده است در آنجا ضبط شده است.

همچنین، درین ماخذ ارمنی راجع به استیلاء افغانه و سقوط صفویه گزارش پطرس گیلانتس (Petros Di Sarkis Gilanentz) مورخ ارمنی را می‌توان

ذکر کرد که در سالهای اخیر ترجمه انگلیسی آن بقلم دکتر میناسیان انتشار یافته است. درین کتاب نیز راجع به حوادث مقارن عهد سقوط صفویه اطلاعات بدیع و بالنسبه دقیق آمده است. در واقع با آنکه سابقاً نیز ترجمه‌یی از روی گزارش پطرس بقلم پرفسور پاتکانف (Patkanov) به زبان روسی انتشار یافته بود (۱۸۷۰) لیکن ترجمه جدید انگلیسی میناسیان علاوه بر فواید مهم تاریخی دیگر متضمن این فایده نیز هست که استفاده از آن را برای تعداد بیشتری از اهل فضل ممکن کرده است. کتاب در واقع عبارتست از گزارش وقایع هجوم افغانه و احوال ارامنه ایروان. مؤلف آن گزارش را برای میناس نام اسقف اعظم ارامنه که خود مقیم حاجی طرخان بوده و با اولیاء دولت روس نیز ارتباط داشته است نوشته است. پطرس گیلانتس مقارن وقوع این حوادث مقیم رشت بوده و تفصیل حوادث را از زبان کسانی که در آن ایام از نقاط مختلف درحال تواری و فرار و عبور به گیلان می‌آمده‌اند یادداشت کرده است. چون گزارش را برای اسقف اعظم و شاید تا اندازه‌یی برای استفاده سیاست روس نوشته است مطالبش ظاهراً خالی از مبالغه و تعصب نباشد اما بهر حال فوایدی در آن هست که در کتابهای فارسی آن زمان نیست.

بعضی از مآخذ گرجی نیز متضمن پاره‌یی اطلاعات در باب تاریخ ایران بعد از اسلام است. در بین این مآخذ آثار مورخ مشهور گرجی تسارویچ واخوشت (Tsarévitch Vakhoucht) اهمیت تمام دارد. از آنجمله است قدیخ و اعمال پادشاهان کرغلی که در آن راجع به اوزن حسن و اخلاف او و همچنین در باب دوره صفویه که مطلع دولت آنها و همچنین فاجعه سقوط آنها باحوادث حدود گرجستان ارتباط تمام دارد اطلاعات مفید آمده است.^{۷۸} وقایعنامه گرجستان تألیف سخنیا چخه‌ئیدزه (Sekkhnia Tchkheidzé) که ظاهراً در نیمه اول قرن هجدهم مسیحی تألیف یافته است نیز از همین گونه مآخذست و ترجمه آن را بروسه در تاریخ گرجستان آورده است. درین تاریخ اخیر مؤلف بعضی اطلاعات در باب احوال ایران و سلاطین صفوی خاصه شاه عباس اول و اخلاف او بدست می‌دهد که مفیدست. درباره ارتباط سلاطین صفویه با امراء گرجی نیز معلومات مفید ازین کتاب بدست می‌آید. چنانکه در طی تاریخ داستان التجاء بعضی از این امراء گرجی را به دربار امپراطور

روس یا سلطان عثمانی و کیفیت روابط سیاسی ممالک مجاور را با امراء این سرزمین نیز بیان می‌کند. باری احوال اغتشاشات گرجستان در عهد شاه سلیمان و شاه سلطان حسین درین کتاب بیانی جالب یافته است. بعلاوه از بعضی تفصیلات این کتاب اطلاعاتی درباب وظایف و مناصب امراء و رجال دولت صفویه مثل قورچی‌باشی و بیگلریگی و نایب بیگلریگی و مهماندار و میرآخور و نسقچی و غیر آنها بدست می‌آید که در شناخت احوال تمدن آن زمان مفیدست. چنانکه درباره واقعه استیلای افغانه و دخالت گرجیها درین قضایا ضمن بیان جزئیات وقایع معلومات تازه‌یی بدست می‌دهد که البته در استفاده از آن احتیاط و دقت لازم خواهد بود. همچنین درباره جنگهای طهماسب قلی‌خان که بعد به نام نادرشاه شهرت یافته اطلاعاتی درین کتاب آمده است و کتاب با ذکر کیفیت فتح هند بدست نادر تقریباً خاتمه یافته است.

وقایعنامه پاپونا اوربلیان (Papouna Orbelian) نیز که هم در اواسط قرن هجدهم میلادی تألیف یافته متضمن بعضی اطلاعات درباب حوادث بین ایران و گرجستان است. این کتاب در واقع ذیل و تکمله کتاب سخنیا چخه‌ئیدزه بشمارست و وقایع گرجستان را تکمیل کرده است. کتاب پاپونا مخصوصاً برای احوال دوره نادرشاه فایده مخصوص دارد زیرا در تواریخ فارسی آن زمان بسیاری از حوادث گرجستان از ابهام خالی نیست و ازین رو این کتاب از ماخذیست که در تصحیح روایات متون فارسی راجع به وقایع گرجستان و قفقاز سودمندست.

همچنین تاریخ سلطنت هراکلی دوم پادشاه گرجستان تألیف اومان خرخه اولیدزه (Oman Kherkhé Oulidzé) در باب حوادث بعد از نادرشاه و اوایل عهد قاجاریه ماخذی سودمند بشمارست. بروسه در مجموعه خویش راجع به تاریخ گرجستان غیر از ترجمه این چند وقایعنامه پاره‌یی اطلاعات متفرق دیگر هم از ماخذ گرجی جمع و با تحقیقات جالب خویش نقل کرده است که مطالعه آنها برای تحقیق در تاریخ صفویه و افشاریه و حتی احوال اوایل عهد قاجاریه فایده بسیار دارد.

در بین ماخذ غیر اسلامی، که در دوره تاریخ ایران بعد از اسلام محل حاجت و مورد مورخ است، گزارشها و یادداشتهائی است که در همان ادوار به زبان لاتینی

و یا به زبانهای اروپایی تحریر شده است. ازین میان آنچه در شمار سیاحتنامه‌ها و گزارشهاست بسبب کثرت تعداد درخور بحثی جداگانه است. چنانکه وقایعنامه‌های ییزانس وایتالیا نیز که به یونانی و لاتینی است باوجود اشتغال بر بعضی فواید متفرقه ضمنی درین جا مورد بحث ما نیست.^{۷۹} اما بعضی از اینگونه مآخذ برای ایران تاحدی حکم تاریخ محض دارد و آنها را می‌توان در ردیف روایات و وقایعنامه‌های مغولی و گرجی و ارمنی آورد. از آنجمله است فی‌المثل کتاب‌گیوم صوری (Guillaume de Tyr) درباب اخبار و سوانح جنگهای صلیبی که در همان زمانها به زبان لاتینی تحریر شده‌است و برآن ذیلهایی نیز به زبان فرانسوی نوشته‌اند.^{۸۰} یکی از راهبان فرقه فرانسیسکن نیز، بنام ژان دوپلان کارپن، (J. du Plan Carpin) به امر پاپ و برای اهتمام در ترویج آیین عیسی در عهد مغول از راه جنوب روسیه به خوارزم و دیار مغول رفت و کتابی که به زبان لاتینی در شرح این احوال خویش نوشته است درباب تاریخ مغول مرجعی سودمندست. پلان کارپن مقارن جلوس گیوک‌خان برمسندخانی، به دربار وی رسیده‌است و در کتاب خود نکات جالبی از رسوم و آداب تاجگذاری خاتان مغول بیان کرده است.^{۸۱} همچنین درباب فتح دمشق بدست تیمور کتابی مختصر به زبان لاتینی در دست‌هست موسوم به زندگانی تیمور (Vita Tamerlina) یا ویرانی دمشق (Ruina Damasci) که یک بازرگان ایتالیایی به نام برتراندو (Bertr ando de Mignanelli) برشته تحریر کشیده است. مؤلف مدتی در شام و مصر می‌زیسته است و در بازگشت به ایتالیا کتابی هم در احوال سلطان برقوق نوشته است. کتاب برتراندو درباب فتح دمشق بدست تیمور متضمن معلومات مهم درباب احوال آن جهانگشای قهارست. مؤلف به زبان عربی نیز آشنائی داشته است و اطلاعات او غالباً مبتنی به مشهودات و مسموعات بوده است.^{۸۲} در زبانهای اروپائی علی‌الخصوص از عهد تیمور و بعد از آن، پاره‌یی مآخذ هست که درباره بعضی حوادث و احوال آن روزگاران متضمن اطلاعات دست اول به نظر می‌آید. فی‌المثل یک اسقف مسیحی بنام ژان از فرقه دومینیکن که یکچند اسقف سلطانیه بوده است و از آنجا به دربار شارل دوم پادشاه فرانسه رفته است یادداشتی درباره احوال تیمور و فتوحات او به زبان فرانسوی نوشته است که جالب است. اصل یادداشت را مؤلف نخست به زبان فرانسوی نگاشته است و سپس خودش آن را به لاتینی نقل

کرده است.^{۸۳} دربارهٔ ترکمانان آق قوینلو و قره قوینلو از گزارشهای سفیران و سیاحان اروپایی اطلاعات مفیدی بدست می‌آید که از آن درجای دیگر باید سخن راند. از عهد صفویه و بعد از آن روی هم رفته اطلاعات و روایات بیشتری در ماخذ اروپایی باقی مانده است. فی‌المثل راجع به جنگهای بین ایران و عثمانی در روزگار صفویه یادداشتهای مینادوئی (Minadoi) و یوانس روتا (Johannes Rotta) به زبان ایتالیائی متضمن اطلاعات مفیدست. در واقع این حوادث بسبب آنکه دولت عثمانی در آن زمان در اروپا شأن و قدری داشت مورد توجه اهل اروپا بود و باین سبب در باب این جنگها یادداشتهای مختلف به زبانهای فرانسوی و ایتالیائی و اسپانیائی و انگلیسی تدوین و تحریر گشت که بعضی از مهمترین آنها را ویلسون (Wilson) در کتابشناسی ایران نام برده است.^{۸۴} چنانکه در فتح دهلی به دست نادرشاه افشار یادداشت بولتون (Boulton = Voulton) به زبان پرتغالی و در باب احوال اواخر سلطنت نادرشاه نامه‌های رنه بازن (René Bazin) به زبان فرانسوی متضمن فواید بسیارست.

مطالعه گزارشهای باستان‌شناسی و تحقیق در مجموعه‌هایی که از سکه‌ها و مهرها و نشانهای قدیم در دست است نیز از ماخذ سودمندست که هم در حل بعضی دشواریهای تاریخ سیاسی مفید تواند بود و هم در تبیین احوال و اوضاع مدنی و اجتماعی در ادوار مختلف. بدینگونه، محققى که به تتبع در تاریخ اشتغال دارد گذشته از رجوع مستمر به کتابخانه‌ها باید همواره به موزه‌های مختلف نیز مراجعه کند و در حقیقت ابنیه و طرق و مقابر والواح باقی مانده از ادوار گذشته و نیز آثار عتیقه که در موزه‌هاست در حکم اسناد و برگه‌هایی است گویا و زنده که از طرز معیشت و تمدن ادوار گذشته بازمانده است.^{۸۵} و بی‌آنکه در آنها بدرستی بررسی شده باشد بحث در تاریخ گذشته البته تمام نخواهد بود. این ابنیه باستانی بعضی حافظ و نگهدارندهٔ موارث و سنن قدیم بشمارند چنانکه آثار و ابنیه متعددی که در نقاط مختلف ایران باقی مانده و منسوبند به دختر، مثل قلعه دختر و پل دختر و کتل دختر و امثال آنها به احتمالی ابنیه و آثاری هستند به ناهید یا آناهیتا که در قدیم بصورت دختر مورد پرستش بوده‌است. بعضی دیگر ازین ابنیه حاکی از عروض حادثه‌یی

ناگهانی هستند و تفاوت سبک معماری آنها با آثار مشابه بسا که نشانی است از نفوذ واستیلای موقت. چنانکه «گنبدعلی» در ابرقو از ولایات مرکزی ایران بقعه‌یی است بسبک واسلوب بقعه‌هایی که در نواحی شمالی ساخته می‌شده است و وجود چنان بنائی در بلاد مرکزی حکایت دارد از استیلاء یا لااقل اقامت محدود و موقت بانی آن شمس‌الدوله ابوعلی از اخلاف حسن فیروزان در حدود سنه ۴۴۸ ه.ق در آن نواحی و این البته برای مورخ خالی از فایده نیست. ابنیه وآثار عتیقه بی‌شک در روشن کردن نقاط تاریک تاریخ کمک شایان می‌کند. نه فقط تاریخ تمدن و هنر تاحدی از بررسی آثار و ابنیه قدیم روشن می‌شود بلکه در بعضی موارد نیز مطالعه الواح و کتیبه‌های آثار و ابنیه کهن برای معرفت بر حوادث و تحقیق در سنین و انساب مفید می‌افتد و یا انساب بعضی سلاله‌ها را تاحدی روشنتر می‌کند و شک نیست که برای کسب این فواید از کاوش و جست و جو در انقاض و خرابه‌های بازمانده از اعصار قدیم نیز غافل نباید بود و تنها به مطالعه ابنیه‌یی که سالم مانده‌اند نباید اکتفا نمود.^{۸۶} بهر حال تحقیقات علماء آثار عتیقه در باب ابنیه وآثار قدیم هر چند برای کار مورخ کافی نیست لیکن غالباً مقدمه کار و در بعضی موارد کمک کار مورخ است. فهرست این تحقیقات البته جای دیگر دارد اما کسی که در تاریخ ایران مطالعه می‌کند ناچار باید با تحقیقات باستان‌شناسان آشنائی داشته باشد و درین مورد نه فقط تحقیقات باستان‌شناسانی که در قلمرو امروز ایران بکاوش و جست و جو پرداخته‌اند اهمیت دارد بلکه تتبعات محققانی که در خارج از قلمرو فعلی ایران تحقیقاتی در آثار اسلامی ایران کرده‌اند نیز درخور توجه است. فی‌المثل نه فقط تحقیقات راجع به آثار قدیم خوارزم که تولستوف (Tolstov) در آن باب مطالعات جالب کرده است^{۸۷} از نظر مورخی که به تاریخ جامع ایران اسلامی نظر دارد مورد حاجت است بلکه آثار و ابنیه عتیق اسلامی در عراق و سوریه امروز نیز برای مورخ ایرانی مهم است. چنانکه از مجموعه الواح و کتیبه‌های عربی راجع به سوریه و آسیای صغیر که تا کنون چاپ شده می‌توان بعضی اطلاعات مفید راجع به قسمتی از دوره سلاجقه بدست آورد.^{۸۸} باری الواح و کتیبه‌ها که متضمن تواریخ و سنین و القاب و انساب رجال هستند چون از وصمت تحریف و غلط مصونند برای مورخ اهمیت تمام دارند. افسوس که مجموعه کامل تمام الواح و کتیبه‌های فارسی و عربی موجود راجع به تاریخ ایران اسلامی هنوز فراهم نیامده است؛ کاری

که ضرورت آن براهل تحقیق پوشیده نیست و تدوین قسمت قبل از اسلام آن هم اکنون در جریان است. در هر صورت ابنیه والواح و کتیبه‌ها با آنکه هرگز جز بندرت اطلاعات مفصل مرتب بدست نمی‌دهند از جهت اعتبار ودقت در ردیف ماخذ و اسناد مهم تاریخی دست‌اول قرار دارند و در تاریخ باید بدانها توجه خاص داشت. بهر حال تحقیقات باستان‌شناسان درباب ابنیه و آثار موجود غالباً روشنگر بعضی مجهولات تمدن و تاریخ ایران عهد اسلامی است. در این میان مخصوصاً تحقیقات زاره (F. Sarre) و دیتس (E. Diez) و گدار (A. Godard) اهمیت تمام دارد. از جمله مطالعات دیتس درباب ابنیه و آثار خراسان و تحقیقات زاره درباب ابنیه بلاد مغرب ایران قابل ملاحظه است و تحقیقات گدار که در مجموعه مهم آثار ایران و همچنین در رسالات و کتابهای جداگانه انتشار یافته است مخصوصاً قابل ذکر است.^{۹۱}

نیز از منابع مهم تاریخ اسناد دولتی و مکاتبات رسمی سلاطین و امراء است که در پاره‌یی موارد بسیاری نکات تاریک را روشن تواند کرد و فرمانها و احکام و وقفنامه‌ها و امثال آنها نیز در همین شمارند. درست است که در تاریخ ایران بعد از اسلام خاصه قرون قبل از مغول اینگونه اسناد نادر و بلکه تا حدی تنگیاب است و تغییر مراکز دولتها و مهاجمات اقوام و منازعات ممتد و مستمر سلسله‌ها و امراء امکان ضبط و حفظ اینگونه اسناد را دشوار و یا ممتنع داشته است.^{۹۰} ولیکن در بعضی کتابهای ادب و مجموعه‌های ترسل و منشآت و حتی در تواریخ گاه‌گاه سوادها و نمونه‌هایی از اینگونه اسناد قدیم بدست می‌آید که بسیار مغتنم و مفید است. همچنین اصل بعضی نامه‌ها و فرمانها که فی‌المثل از ایلخانان مغول به زبان مغولی در موزه واتیکان و موزه طهران در دست است درین شمار و متضمن فواید بسیار است.^{۹۱}

از بعضی اسناد دیگر، چنانکه گفته شد، جز سواد آنها در متون کتب چیزی در دست نیست و هر چند صحت این سوادها البته محل تردید تواند بود و شاید پاره‌یی از آنها مجعول و فقط پرداخته ذوق و قریحه نویسنده باشد ولیکن بعضی نکات و ملاحظات عمومی و کلی خاصه در مسائل راجع به تشکیلات اداری و احوال اجتماعی ادوار گذشته از آنها می‌توان بدست آورد. خاصه که از ادوار قبل از

مغول غالباً اگر برگه‌ی ازینگونه اسناد دولتی بدست می‌آید فقط همین سوادهاست واصل اسناد از میان رفته است. بااینهمه درمورد اینگونه اسناد که جز رونوشت و سواد آنها در دست نیست مورخ دقیق باید درهرحال جانب احتیاط را نگه‌دارد و آنها را به‌جای سند قطعی بکار نبرد بلکه فقط بدین حداکتفا ورزد که آنها را به‌عنوان مؤید وقرینه برای اسناد قطعی بشناسد. زیرا این مآخذ اگر خود از جعل و وضع برکنار باشد باری از تحریف و تصرف البته خیالی نیست و درهرصورت آن مایه جزم و یقین که از اصل اسناد حاصل تواند شد ازسواد آنها بدست نمی‌آید و اگر چند از همین سوادهای موجود که از اسناد قدیم در کتابهای منشآت و تواریخ و مجموعه‌ها در دست هست بسبب فقدان تنوع و مخصوصاً بجهت آنکه مقصود عمده سوادنویس قبل از هر امر دیگر فقط این بوده‌است که سرمشق و نمونه انشاء آنگونه اسناد را بدست دهد، نمی‌توان همیشه معلومات وافی و مفید استنباط کرد ولیکن از مراجعه به این اسناد شاید بتوان بسیاری از مسائل مهم و دشوار راجع به احوال اداری و اجتماعی ادوار گذشته را حل کرد و ازین جهت توجه به جمع و تدوین اینگونه مآخذ و تهیه فهرست دقیق و مفیدی از آنها لازم است.

البته اسناد رسمی برای دوره‌های قبل از مغول بهر حال بسیار کم است و از دوره تیموری نیز بقدر عهد صفوی باقی نمانده است. از ادوار بعد از صفویه البته اسناد بیشتر در دست هست که در موزه‌ها و کتابخانه‌های جهان متفرق است و از آرشیوهای ممالک همسایه و حتی به زبانهای ترکی و عربی نیز از اینگونه اسناد مفید و معتبر بدست می‌آید که استفاده درست از آنها هر مورخ دقیق را در فهم مسائل مهم تاریخ کمک می‌کند. اما سواد اینگونه اسناد که در کتب منشآت آمده است نیز در صورتیکه بادقت و احتیاط کافی مورد استفاده واقع شود البته فایده بسیار دارد. در بعضی مجموعه‌های قدیمی نیز گاه سواد پاره‌یی از این اسناد بدست می‌آید و البته مراجعه دائم به اینگونه مجموعه‌ها برای مورخ مفید است. چنانکه فتحنامه بخارا که راجع است به فتح البارسلان در ماوراءالنهر در یک مجموعه خطی متعلق به اوایل قرن هفتم هجری بدست آمده است^{۹۲} و بهر حال از اینگونه منشآت مجموعه‌های متعدد در کتابخانه‌های دنیا هست. از قدیمترین نمونه‌های فارسی این منشآت که برای تاریخ ایران بعد از اسلام مفید تواند بود نامه‌هایی است که در تاریخ بیهقی نقل شده و از احوال عهد غزنویان حکایت دارد. دیگر

مجموعه منشآت منتجب‌الدین بدیع‌کاتب جوینی است بنام عتبه‌الکتابه که مشتمل است بر مراسلات رسمی و منشورها و مثالهایی که در عهد سلطان سنجر و در واقع از دیوان او صادر شده است و در هر حال برای فهم و حل بسیاری از نکات تاریخ تمدن عهد سلاجقه فایده بسیار دارد. نیز مجموعه‌یی است بی‌نام، از منشآت عهد سلاجقه و خوارزمشاهیان، درموزه آسیائی آکادمی علوم لنینگراد که از انشاء دبیران و کاتبان مختلف آن روزگاران مثل وطواط و منتجب‌الدین جوینی است و از مطالعه آنها نیز فواید بسیار خاصه راجع به روابط سنجر و اتسز و اطلاعاتی دربابت ایل ارسلان، و خانان ترکستان حاصل می‌شود.^{۹۳} دیگر مجموعه‌ایست به نام التوسل الی الترسل از انشاء بهاء‌الدین محمد بن مؤید بغدادی منشی علاء‌الدین تکش خوارزمشاه که مخصوصاً درباره عهد خوارزمشاهیان اطلاعات مفید دارد. مؤلف یکچند درسنامه‌ی زیسته و سپس به خدمت تکش خوارزمشاه درآمد متصدی «دیوان انشاء» وی شده است. وی بموجب قول حمدالله مستوفی برادر شیخ مجدالدین بغدادی عارف مشهور بوده است و مجموعه منشآت خویش را چنانکه از مقدمه کتاب برمی‌آید به خواهش دوستان جمع کرده است. دیگر مجموعه مکاتیب رشیدی است از انشاء خواجه رشیدالدین فضل‌الله وزیر همدانی که هرچند در باب اصالت آنها بعضی از محققان تردید کرده‌اند^{۹۴} ولیکن در تحقیق احوال تمدن و تاریخ عهد ایلخانیان از این مجموعه فواید بسیار حاصل می‌شود. چنانکه از منشآت شرف‌الدین علی یزدی نیز فوایدی دربابت عهد تیمور بدست می‌آید. همچنین شرفنامه یا انشاء مروارید از منشآت عبدالله مروارید کرمانی کاتب و وزیر سلطان حسین بایقرا متضمن اطلاعات مفیدی در احوال و اوضاع اجتماعی و اداری اواخر عهد تیموریان است. همچنین در مجموعه مراسلات موسوم به منشآت السلاطین که فریدون بیگ منشی ملقب به توقیعی در سنه ۹۸۲ جمع و تدوین کرده است و حاوی اسناد و مکتوبات رسمی و دولتی است که غالباً بین سلاطین عثمانی و پادشاهان و امراء دیگر مبادله شده است، مراسلات مهمی از سلاطین و سلسله‌های مشهور ایران هست که بسیار جالب است. مثل مکاتبات تیمور و امراء آل جلایر و امراء ترکمان و صفویه با سلاطین عثمانی که از مطالعه آنها نکات و ملاحظات مهم دربابت مسائل تاریخ ایران بدست می‌آید.^{۹۵} نیز از همین گونه ماخذست مجمع الانشاء یا نسخه جامعه مراسلات اولی‌الالباب تدوین ابوالقاسم حیدر بیگ ایواغلی از درباریان شاه.

عباس اول و شاه‌عباس دوم صفوی. این نسخه مجموعه‌ایست از بعضی منشآت و اسناد که از عهد سلاجقه تا دوره شاه‌عباس ثانی تحریر یافته‌است و خالی از فواید نیست. مؤلف در عهد شاه‌عباس اول ایشیک‌آقاسی بوده و شاه‌عباس ثانی نیز او را یک چند به‌دربانی حرم خویش واداشته‌است و سپس عنوان ایشیک‌آقاسی‌باشی به‌او داده‌است. ایوانغلی درسنه ۱۰۷۵ به‌امر شاه‌عباس ثانی بقتل رسیده‌است. تعدادی از فرامین و ارقام مربوط به عهد قره‌قوینلو و صفویه نیز که در کتابخانه‌های مختلف بوده‌است به‌اهتمام انجمن باستان‌شناسی آلمان، شعبه قاهره، منتشر شده‌است.^{۹۶}

نیز در «آرشیو»های بعضی ممالک خارجه که در قرون اخیر با ایران روابط داشته‌اند، اسناد مهم مخصوصاً در باب روابط و مناسبات تجاری و سیاسی بدست می‌آید و شک نیست که مورخ از جست‌وجوی آن منابع نباید غافل باشد. در واقع از مطالعه اسناد موجود در ضبط وزارت خارجه فرانسه و انگلیس و روسیه و عثمانی قدیم ازین مآخذ فواید زیاد حاصل تواند شد و بی‌شک مراجعه بدانها ضرورت بسیار دارد. از جمله در ضبط اطاق تجارت ماری و در ضبط وزارت جنگ و وزارت خارجه فرانسه ازین گونه اسناد هست. همچنین در اداره ضبط عام (Public Record office) لندن ازین اسناد مخصوصاً درباره روابط سیاسی دولتین در عهد قاجاریه فراوان بدست می‌آید. مجموعه «کتابهای آبی» انگلیس و «کتاب نارنجی» روس (۱۲ - ۱۹۰۷) نیز در باب عهد مشروطه ایران محتوی اطلاعات مهم و جالب است.

درین آثار عتیقه، سکه‌ها مخصوصاً اهمیت خاص دارند و چنانکه برخی از محققان مثل لین‌پول (S. Lane Poole) و زمباور (Zambaur) توجه کرده‌اند می‌توان مخصوصاً در تصحیح و اصلاح تواریخ و سنین از آنها فواید بسیار بدست آورد. چنانکه گاه وجود یک سکه اشتباهی را که در منابع دیگر فی‌المثل در تواریخ عام یا سیاحتنامه‌ها روی داده‌است رفع می‌کند و یا تردیدی را که درباره کیفیت تداول بعضی القاب روی می‌دهد برطرف می‌نماید.^{۹۷} در تنظیم جداول انساب اهمیت مسکوکات بیشترست و در واقع چنانکه گفته‌شد میزان صحت و سقم اخبار و اطلاعاتی را که از دیگر مآخذ بدست می‌آید بوسیله آنها می‌توان تحقیق و تعیین نمود مخصوصاً جهت اطلاع بر کیفیت توالی امراء سلسله‌های کم‌اهمیت در بعضی

موارد مسکوکات یگانه مرجع معتبر قابل اعتماد بشمار می آید. بهرحال اطلاعات مختلف که از مسکوکات بدست می آید بسیاری از نکات راجع به حوادث و سنین و اعلام و امکانه را ممکن است تصحیح کند و مخصوصاً برای روشن کردن تواریخ محلی و نیز جهت توضیح مواردی که احیاناً ماخذ دیگر در آن موارد سکوت کرده اند از آنها معلومات سودمند بدست می آید؛ همچنین در تحقیق اوضاع و احوال معیشت و اقتصاد از مطالعه سکه ها می توان استفاده تمام کرد. علاوه بر آن از روی سکه ها تمایلات مذهبی و القاب امراء محلی را می توان تعیین نمود. چنانکه مایلز (Miles) از روی معلوماتی که از مطالعه سکه ها بدست آمده و با تطبیق آن معلومات با اطلاعات مأخوذ از مراجع دیگر احوال اجتماعی و اقتصادی ولایت ری را در طی تاریخ دراز قدیم آن بررسی کرده است.

نخستین سکه های اسلامی در ایران تاملتها بعد از انقراض ساسانیان همچنان با سبک و شیوه عصر ساسانی ضرب می شد و حتی نام پادشاهان ساسانی تاملتها بعد همچنان بر آنها نقش بود. از جمله تاسنه ۷۴ هجری که سالها از سقوط ساسانیان و از مرگ یزدگرد سوم می گذشت سکه هایی بانام یزدگرد و خسرو پرویز و حتی هرمزد چهارم ضرب می شد که باقی است. این گونه سکه ها که در آنها با وجود ذکر بسمله نام پادشاهان ساسانی آمده است و بهرحال از شعائر و آثار تمدن و آیین «مجوس» و «فرس» خالی نیستند نزد سکه شناسان مشهور به «سکه های عرب و ساسانی» شده اند و حتی گاه از آن نوع تا قرن دوم هجری نمونه هایی مخصوصاً در طبرستان و بخارا ضرب می شده است. از عهد عبدالملک بن مروان خلیفه اموی سکه های اسلامی ظهور و رواج یافته است و از اینگونه مسکوکات آنچه در بلاد ایران مثل ابرشهر و اردشیر - خوره و استخر و ارمنیه و الباب و بلخ و بیضا و بصره و جی و دارا بجرد و دیبل و ری و سابور و سرخس و سجستان و سوق الاهواز و کرمان و مرو و میسان و هرات و همدان ضرب شده است اهمیت دارد. در سکه های قدیم عهد اموی بر حاشیه روی سکه آیه یا عبارت «محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کرم المشرکون» که نقش می کرده اند جالب است و به نظر می آید اشارتی باشد به فتوح مسلمین و عدم رضایتی که طبعاً مجوس و دیگر اهل کتاب ازین باب داشته اند. باری بسیاری از بلاد ایران در طی قرون مختلف دارالضرب بوده اند و کارگاههای مخصوص به این منظور در آن بلاد وجود داشته است.^{۹۸} با اینهمه در توالی حوادث

و تحول دولتها درین مراکز نیز گاه تغییر پدید آمده است و محل بعضی ازین کارگاهها عوض می شده است. کتاب مایلز موسوم به تاریخ ری از جهت سکه شناسی تحقیقی است در باب تاریخ دارالضرب ری تا عهد مغول و بیک معنی تاریخ محققانه یی در باب ری و توابع آن شهر بشمارست. در واقع با آنکه غالباً جلوس رسمی پادشاهان با ضرب سکه شروع می شده است گاه نام بعضی شاهزادگان قبل از جلوس رسمی در سکه می آمده است و گاه نیز تا مدتی بعد از ضرب سکه بسبب بروز حوادث جلوس رسمی پادشاه شروع نمی شده است. توجه به این نکته مورخ را در استفاده ازین گونه اسناد احتیاط می آموزد.

از سکه های سلاطین و امراء ایران خوشبختانه مجموعه های مهم و قابل توجه در خود ایران هست که از جمله مجموعه های بانک ملی ایران و موزه و ضرابخانه را می توان ذکر کرد. در خارج از ایران نیز مجموعه های کامل و جامع زیادت که از آن میان مجموعه های متعلق به موزه ارمیٹاژ (Ermitage) در لنینگراد و موزه بریتانیا (British Museum) در لندن و کابینه مدالها (Cabinet des medailles) پاریس و موزه سلطنتی (Kaiserlich Museum) سابق در برلین و موزه متروپولیتن (The Metropolitan museum) در نیویورک و نیز موزه انجمن سکه شناسی امریکا (The museum of American Numismatic Society) در نیویورک را بوجه مثال می توان یاد کرد. محتویات غالب این مجموعه ها با تصاویر و با مشخصات مسکوکات طبع شده و فهرستهایشان در دسترس اهل تحقیق هست. از جمله مجموعه مسکوکات شرقی موزه بریتانیا را استانلی لین پول در ده مجلد طبع کرده است و فهرست مسکوکات اسلامی کتابخانه ملی پاریس با اهتمام لاووا (H. Lavoix) در سه مجلد منتشر شده است و از آن جمله مخصوصاً مجلد اول برای تاریخ ایران مفیدست. همچنین فهرست مسکوکات اسلامی موزه ارمیٹاژ لنینگراد در طی یک مجلد با دو ضمیمه طبع شده است. در باب سکه های اسلامی ایران بررسی تحقیقات کسانی مثل اونوالا (J. M. Unvala) جان وکر (Walker) آندره گیو (A. Guillou) و مخصوصاً رابینو برای مورخ ضرورت دارد و شک نیست که مطالعه انتشارات موزه ها و مجله های مخصوص سکه شناسی درین باب راهنمایی مفید خواهد بود. همچنین مراجعه به کتاب جامع سدیلو (Sédillot) موسوم به تمام سکه های عالم و نیز کتاب مایر (Mayer) متضمن فواید بسیار درین

باب خواهد بود. ۹۹

در ردیف آثار و ابنیه باستانی باید از کتب راجع به مزارات نیز نام برد که تا حدی شرح بعضی از آنگونه ابنیه بشمارند و غالب آنها با وجود اشتمال بر کرامات و حکایات مبالغه آمیز ارباب مزارات مانند تواریخ محلی و کتب وقیات متضمن اطلاعات و مطالب سودمند در باب مشاهیر هر شهری است. از آنجمله است کتاب شد الاذافی حط الاذاعن زوال المزار تألیف معین الدین ابوالقاسم جنید شیرازی که در حدود سال ۷۹۱ تألیف شده است و مشتمل بر ترجمه احوال مشاهیر علماء و عرفاء و وزراء و امراء و رجالی است که در شیراز مدفون بوده اند و کتاب با وجود اشتمال بر اغلاط و مسامحات متضمن فواید بسیار است. ۱۰۰ دیگر تاریخ ملازاده در ذکر مزارات بخارا است که با وجود اختصار سودمند است. در باب مزارات سمرقند نیز از قدیم کتابهای متعدد تألیف یافته است و از آنجمله کتاب قنیه را می توان ذکر کرد که مخصوصاً گذشته از سایر فواید از مطالعه آن پاره یی عقاید و اوهام را که در عهد تیموریان راجع به بعضی مزارات سمرقند بین عامه رایج بوده است. می توان بدست آورد. دیگر تذکره الاولیاء محرابی یا مزارات کرمان است که مؤلف، خود از مشاهیر کرمان و از خاندانهای مهم آن سامان بوده است و کتاب خود را در اوایل قرن دهم هجری تألیف کرده است. کتاب با وجود اشتمال بر قصص و مبالغات و مسامحات بسیار برای معرفت احوال اجتماعی کرمان در آن ایام. مأخذی مفید است. عده زیادی از کتب مزارات در عهد تیموریان تألیف یافته و ظاهراً احفاد تیمور نیز مانند خود او گاه برای کسب توفیق در سفک دماء و ظلم و شقاوت خویش از قبر اولیاء همت می خواسته اند و همین امر از اسباب رواج اینگونه تألیفات در آن عصر و اعصار تالی شده است. از آنجمله است مرصد الاقبال در مزارات هرات که میراصیل الدین عبدالله شیرازی به نام ابوسعید گورکان تألیف کرده است. نیز از کتب مزارات که بعد از عهد تیموریان تألیف یافته است یکی کتاب «روضات الجنان» است در باب مقابر تبریز که مؤلف آن حافظ حسین یا درویش حسین تبریزی معروف به ابن کربلائی بوده است و کتاب را در سال ۹۷۵ تألیف کرده است.

گذشته از کتابهای تاریخ، مورخ به کتب مسالک و جغرافیا و سفرنامه‌ها نیز همواره حاجت دارد. در واقع اوضاع راههای ممالک و بلاد و احوال تجارت و ثروت خلایق و عباد در طی روزگاران گذشته جز از طریق مطالعه اینگونه مآخذ بدست نمی‌آید. در هر حال در این‌گونه کتابها خاصه بمناسبت ذکر بلاد جای جای معلومات مفید دیگر نیز در باب اخلاق و آداب و عقاید و مذاهب و اصول معیشت مردم بدست می‌آید.^{۱۰۱} بعلاوه درین کتابها گه‌گاه نیز در باب پادشاهان و فرمانروایانی که بر آن بلاد حکومت داشته‌اند بمناسبت سخن در میان می‌آید و مراجعه بدین کتب غالباً برای تصحیح و اصلاح مآخذ دیگر نیز مفید می‌افتد. در بین کتب جغرافیانویسان قدیم اسلام آثاری هست که از آنها مخصوصاً اطلاعات مفیدی در باب بلاد ایران در اوایل عهد خلافت بدست می‌آید و گاه معلوماتی نیز در باب خراج هریک ازین بلاد در آنها هست. این جغرافیانویسان که آثار آنها را دخویه خاورشناس مشهور هلندی در ضمن سلسله کتب «خزانة جغرافیای عربی» (Bibl. Geog. Arabe) در لیدن طبع کرده‌است خود به سفر و سیاحت در ممالک و بلاد می‌پرداخته‌اند و بهمین سبب آثار جغرافیانویسان اسلام قبل از اکتشافات بحری اروپائیان مهمترین منبع اینگونه اطلاعات بشمار می‌آمده‌است. در واقع اخوت بین مسلمین و قناعت و مهمان‌نوازی شرقی و وجود اوقاف و خیرات در بلاد مختلف اسلامی از اسباب و معدات عمده اینگونه مسافرتها بوده و بهمین جهت سیاحان و جهانگردان اسلامی در کشف و تحقیق احوال بلاد و طرق و کیفیت مسالک و فواصل آنها بی‌شک خدمات عمده به توسعه علم جغرافیا کرده‌اند.^{۱۰۲} مشهورترین این مآخذ که مخصوصاً برای مورخ رجوع بدانها لازم می‌آید یکی کتاب ابن‌خرداذبه است به نام المسالک که مؤلف خود صاحب برید ولایت جبل بوده‌است. و دیگر کتاب قدامه به نام کتاب الخراج که مؤلف عامل خراج یعنی مباشر مالیاتی بوده‌است و کتاب او مخصوصاً برای شناخت مقدار خراج هریک از ممالک و بلاد مهم است. دیگر کتاب البلدان یعقوبی است که مؤلف خود مورخ مشهوری هم بوده‌است. کتاب اخیر درباره احوال و اوضاع بلاد ایران چندان معلوماتی را متضمن نیست لیکن دو کتاب اول متضمن اطلاعات مفید هستند چنانکه ابن‌خرداذبه اولین کس از جغرافیانویسان اسلام است که درباره کویر بین‌بم و نصرت‌آباد اطلاعات دقیق بدست داده‌است و قدامه مخصوصاً در باب مسالک و طرق آذربایجان و فارس و کرمان

معلومات مفید دارد. ۱۰۳ دیگر کتاب الاعلاق النفیة است تألیف ابن رسته که مخصوصاً برای راههای خراسان واحوال بلاد آن سرزمین مهم است و نیز کتاب مسالك الممالك تألیف اصطخری است که مؤلف اهل فارس بوده و خود به جهانگردی علاقه تمام داشته است و بسیاری ممالك را از دیار عرب تا ترکستان به قدم سیاحت پیموده و دربارهٔ پیشه‌ها و بازارگانیها که در هر شهری هست اطلاعات سودمند داده است. ۱۰۴ دیگر صوذة الادلخ است تألیف ابن حوقل که از حیث تنظیم مطالب و هم از جهت عبارت شباهت زیاد به کتاب اصطخری دارد و در بعضی موارد تلخیص مندرجات کتاب او به نظر می‌رسد. دیگر کتاب مقدسی است بنام احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم که در واقع مهمترین و اصیلترین کتابهای جغرافیایانویسان اسلامی است و بسبب اشمال بر ذکر آب و هوا و عادات و رسوم و صنایع و محصولات و نقود و طرق و اوزان و میزان خراج هر یک از بلاد فواید بسیار می‌توان از آن بدست آورد. مقدسی که بر حسب عقیدهٔ بعضی محققان یکی از بزرگترین جغرافیدانان جهان ۱۰۵ و بهر حال شاید مهمترین جغرافیدان اسلام است نیز خود در بلاد مختلف خاصه ایران اسفار عدیده کرده است. ۱۰۶ از ماخذ فارسی که در ردیف این کتابها بتوان ذکر کرد یکی کتابی است بنام حدود العالم من المشرق الی المغرب که مؤلف آن مجهول است ۱۰۷ لیکن در ۳۷۲ هجری و به نام ابوالحارث محمد از امراء آل فریغون تألیف یافته و با وجود اجمال و ایجاز متضمن اطلاعات بسیار سودمند است. نیز ابو عبدالله جیهانی وزیر و مربی نصر بن احمد سامانی کتابی داشته بنام مسالك و ممالك که در تألیف آن بموجب نقل مقدسی از مسافران و واردان و مطلعان ممالك مختلف کسب اطلاع کرده و اطلاعات و معلومات سودمندی در آن جمع آورده است و ظاهراً قسمت عمدهٔ این کتاب از کتاب ابن خردادبه مأخوذ بوده است. ۱۰۸ کتاب جیهانی و ابن خردادبه ظاهراً از ماخذ گردیزی و هم از ماخذ مؤلف کتاب حدود العالم بوده است.

البته مهمترین و جامعترین ماخذ برای کسب اطلاعات دقیق و درست در باب جغرافیای بلاد اسلام و ایران بی‌شک معجم البلدان تألیف شهاب‌الدین ابو عبدالله حموی معروف به یاقوت حموی است متوفی در سنه ۶۲۶ ق. که خود سفرهای دور و دراز کرده و با مراجعه به کتابخانه‌های مهم، خاصه در شهر مرو، و مطالعهٔ ماخذ و مراجع جغرافیایانویسان دیگر اطلاعات خود را تکمیل نموده است. کتاب معجم البلدان

فرهنگ جغرافیائی بسیار مفصلی است که بترتیب الفبا تنظیم یافته است و مؤلف در ضبط و تصحیح اعلام و اسامی بلاد و قرا اهتمام بسیار کرده است هر چند باز چنانکه پروفیسور دخویه بدرستی باز نموده است نمی توان علی العمیاء از آنچه وی ضبط کرده است پیروی نمود. ۱۰۹ یاقوت در تألیف این کتاب از پاره‌یی مآخذ مهم قدیم اقتباس و استفاده نموده است که چون بعضی از آن مآخذ امروز در دست نیست کتاب او بغایت مفید و مورد حاجت اهل تحقیق واقع شده است. ازین مایه تتبع و تحقیق گذشته، یاقوت خود نیز از طریق سیاحت به تحقیق و تجربه در احوال بلاد پرداخته است. چنانکه بموجب ادعای خود به قلّه دماوند برآمده و سستی و نادرستی اساطیر و روایاتی را که در باب این آتشفشان خاموش در افواه جاری بوده است خود تحقیق کرده است. صفی‌الدین بغدادی این کتاب را چندی بعد تحت عنوان مرآة الاطلاع تلخیص و تصحیح کرده است. چنانکه باریه دومنار نیز تلخیصی از آنچه وی در باب ایران نوشته است به فرانسوی نقل کرده است. دیگر آثار البلاد است از زکریا بن محمود قزوینی (متوفی ۶۸۲ ه.ق) که مؤلف در آن، از معجم البلدان یاقوت نیز استفاده کرده است. دیگر نزهة القلوب است به فارسی تألیف حمدالله مستوفی که کتاب او عبارت از شرح مملکت ایلخانان مغول است و گذشته از فواید جغرافیائی نکات مهم تاریخی راجع به خراج و مالیات و احوال تجارت نیز از آن بدست می آید. دیگر کتابی است از حافظ ابرو در جغرافیا و مسالک ممالک که مشهور است به جغرافیای حافظ ابرو و این کتاب در زمان و به نام شاه رخ تیموری تألیف یافته است. مؤلف خود اسفار متعدد در رکاب تیمور کرده و اطلاعات خود را با استفاده از مآخذ دیگر کامل نموده است. دیگر جهان نامه تألیف محمد بن نجیب ابن بکران است که در روسیه طبع شده است و کتاب هفت کشور که هنوز چاپ نشده است. ۱۱۰ همچنین کتاب جهان نما است به ترکی عثمانی تألیف حاجی خلیفه کاتب چلبی (متوفی ۶۷۰ ه.ق) که خود به شام و حجاز و عراق و ایران سفرها کرده و کتاب دیگرش هم بنام تحفة الکبار فی اسفار البحار که ترکی و در تاریخ بحریه عثمانی است نیز مشتمل بر فواید است. ابن حاجی خلیفه غیر از کتاب مهم و مشهور کشف الظنون که برای تحقیق مآخذ تاریخ از مراجع مفیدست کتابی دیگر دارد نیز به نام تقویم التواریخ که در واقع جدول وقایع مهم تاریخ اسلام است تا سنه ۱۰۵۸ ه.ق که سال تألیف کتاب است و با وجود ایجاز و اجمال از مآخذ معتبر محسوبست.

از همه جامعتر و مشهورتر کتاب ناتمام مرآت البلدان و تتمه آن بنام مطلع الشمس است تألیف محمد حسن خان اعتماد السلطنه که فرهنگ و تذکره جغرافیائی است و غیر از اطلاعات قدیمه که از ماخذ گذشته نقل کرده بسیاری معلومات تازه در باب بلاد مختلف بدست داده است. هر چند این کتاب بسبب فقدان ترتیبی معقول و هم بجهت عدم اتمام چندان مورد توجه واقع نشده است لیکن در هر حال از ماخذ مهم اطلاعات راجع به احوال اجتماعی و جغرافیای تاریخی بلاد ایران بشمارست.

در بین کتابهایی که مخصوصاً عنوان سیاحتنامه و گزارش سفر دارند آنچه در مورد تاریخ ایران مهم است یکی رساله ابی دلف مسعربن المهلهل الخزرجی است که تحت عنوان الرسالة الثانیه باهتمام مینورسکی در قاهره (۱۹۵۵) چاپ شده است^{۱۱} و گزارش مسافرتهاى مؤلف است در بلاد مغرب و شمال ایران. کتاب، اطلاعات سودمندی در باب این بلاد دارد و مخصوصاً در باب بعضی سلاله های ایران مانند آل زیار و سامانیان و آل مسافر و علویان طبرستان معلومات جالبی را حاوی است. مؤلف در قرن چهارم می زیسته و مسافرتهاى در ماوراءالنهر و چین و هند و بلاد دیگر کرده است. رساله اول او که در شرح مسافرتهاى چین و بلاد ترك بوده است در معجم البلدان یاقوت نقل شده و اینجا مورد نظرمانیست. اما رساله ثانیه که نسخه یی از آن را پروفیسور زکی ولیدی طغان در ضمن مجموعه یی در کتابخانه آستان قدس رضوی کشف کرده است نیز مورد استفاده یاقوت و زکریابن محمود قزوینی بوده است. این رساله ثانیه که پروفیسور مینورسکی آن را با ترجمه انگلیسی و حواشی و تعلیقات مفید منتشر کرده است برای هر مورخ که در باب تاریخ ایران تحقیق می کند بغایت مفیدست. نیز از اینگونه سیاحتنامه ها سفرنامه معروف ناصر خسرو و کتاب ادریسی است. ناصر خسرو از خراسان و از طریق نیشابور و ری و قزوین و تبریز و شام به مکه رفته و از آنجا بعد از چندسالی سیاحت از طریق بصره و اصفهان و بیابان لوت به خراسان بازگشته است و احوال این بلاد و این طرق را در آن زمان شرح داده است. چنانکه ادریسی نیز با آنکه خود در بلاد ایران سفر نکرده کتابش حاوی فایده بسیارست. ناصر خسرو هر چند بیشتر در خارج از حدود ایران امروز سفر کرده است لیکن سفرنامه او در هر حال برای اطلاع از احوال بسیاری از بلاد ایران در آن ادوار مرجع مفیدی

است. چنانکه رحله ابن جبیر نیز با آنکه مؤلف به ایران نیامده است بسبب احتواء بر مطالب مفید راجع به قلمرو سلاجقه سودمندست. اما سیاحتنامه یا رحله ابن بطوطه موسوم به تحفة النظار فی غرائب الامصار و الاسفار مأخذ بسیار سودمندی است که جهت فهم اوضاع واحوال تمدن و فرهنگ و تاریخ بسیاری از بلاد از جمله ایران و ماوراءالنهر ضرورت بسیار دارد. مؤلف ابو عبدالله محمد بن عبدالله معروف به ابن-بطوطه از اهل طنجه بوده و در ۷۳۵ بقصد سیاحت از آنجا بیرون آمده است. وی شمال افریقا و مصر و شام و حجاز و عراق و ایران و یمن و بحرین و ترکستان و ماوراءالنهر و قسمتی از چین و هند و جاوه و مراکز افریقا را سیاحت نمود و از کمکهای بزرگان عصر استفاده بسیار کرد و در مراجعت سیاحتنامه خویش را املاء نمود (۷۵۶) و در مراکش به سال ۷۷۹ وفات یافت. سفرنامه ابن بطوطه گذشته از اطلاعات سودمند در باب احوال اجتماعی ایران در قرن هشتم متضمن معلوماتی در باب پادشاهان هرمز و اتابکان لرستان و سرداران و ابواسحق اینجو و سلطان محمد الجایتو و ابوسعید بهادرخان و امیر چوپان است.

دیگر ازین مقوله کتب سفرنامه‌یی است به ترکی از اولیاء چلبی که با وجود اشتغال بر بعضی مطالب نادرست و شاید مجعول فواید بسیار دارد و روی هم رفته در باب اوائل صفویه متضمن اطلاعات مفید است. دیگر بستان‌السیاحه است تألیف حاجی زین العابدین شیروانی که مؤلف آن را در سنه ۱۲۴۷ نوشته و در ضمن اطلاعات تاریخی گزارش مسافرت‌های خویش را بیان داشته است.

اما البته سیاحتنامه‌هایی که در تاریخ ایران مورد حاجت و رجوع مورخ است منحصر به کتابهای مسلمین نیست بلکه مطالعه گزارشهای جهانگردان و بازرگانان و سفیران اروپائی نیز درین باب اهمیت تمام دارد و این کتابها در بعضی موارد قطعاً مهمترین مأخذ تحقیق در احوال اجتماعی و تشکیلات اداری این سرزمین بشمار می‌آیند. درین قدیمترین نمونه اینگونه سیاحتنامه‌ها باید از سیاحتنامه بنیامین تَظیلی (Benjamin of Tudela) نام برد که ظاهراً اولین سیاح اروپائی بشمارست که به بلاد مشرق رسیده است. بنیامین زبن و سیاح و بازرگان یهودی از

اهل تطيله از بلاد شمالی اسپانیا بود.^{۱۱۲} وی در بین سالهای ۱۱۶۱ تا ۱۱۷۱ میلادی در بلاد مختلف سیاحت کرد و در سنه ۱۱۷۳ وفات یافت. درباره زندگی او و خانواده او جز آنچه در سیاحتنامه خودش و در بعضی از آثار نویسندگان متأخر آمده است اطلاعی در دست نیست و از کتاب او نیز مدتها نسخ معتبر موثقی در دست نبوده است و از این رو تا این اواخر در صحت و اعتبار کتاب او تردید شده است. بهرحال متن عبری سیاحتنامه منسوب به او اولین بار در قسطنطنیه به سال ۱۵۴۳ طبع شده و ترجمه لاتینی آن در ۱۵۷۵ در آنورس انتشار یافته است. ولیکن بعد از آن مکرر طبع شده است و به زبانهای متعدد نیز ترجمه شده است. اساس سیاحتنامه او که ظاهراً بعد از مرگش تنظیم و ترتیب یافته است یادداشتهای روزانه او بوده است که شخصاً در طی سیاحت تهیه می کرده است. بنیامین از راه فرانسه و ایتالیا به یونان و قسطنطنیه رفته و آسیای صغیر و فلسطین و شام و عراق را سیاحت کرده؛ ظاهراً مصر را و همچنین کیش و عدن را نیز دیده است و از طریق مصر و صقلیه به ایتالیا و فرانسه بازگشته است. هر چند به نظر می آید بنیامین از عراق چندان دورتر نرفته باشد لیکن بهرحال بصره و شوش و کیش را ظاهراً دیده است و از شوش بطریق صیمره و سیروان به همدان نیز رفته است. وی تفصیلات و اطلاعاتی نیز در باب شیراز و اصفهان و سمرقند و هم تبت داده است که ظاهراً از مسموعات اوست نه از مشهودات ولیکن بهرحال متضمن اطلاعات جالب و مفید هست. در این سیاحت دور و دراز بنیامین می خواسته است مخصوصاً احوال همکیشان خود را در اقطار جهان مشاهده و تحقیق نماید و چون زبان عربی را خوب می دانسته و از دقت نظر و حس کنجکاوی بهره مند بوده است توانسته است تفصیلات جالب در این ابواب بدست دهد. وی گذشته از توجه به احوال یهود به اوضاع سایر امم هم عنایت کرده است و همچنین به تجارت و فلاحات بلاد و نیز به آثار تاریخ علاقه بی تمام داشته و ازین سبب کتاب او بر اطلاعات خوبی در باب احوال تمدن و معیشت و اوضاع تجارت و فلاحات اقوام و بلاد نیز متضمن افتاده است مخصوصاً چون به ضبط تعداد نفوس یهود هر یک از بلاد اهتمام کرده کتاب او ازین جهت نیز اهمیت دارد ولیکن احصائیه هائی که نقل کرده است همواره دقیق و معتبر نیست. بنیامین در حدود ۱۱۶۸ به بغداد رسیده و در باب احوال دستگاه خلافت تفصیلات جالب نقل کرده است. مطابق ادعای وی در آن زمان در بغداد چهل هزار یهودی

می زیسته‌اند و ۲۸ کنیسه در آنجا داشته‌اند. بنا بر مشهور، وی از طریق ایران به هند و نیز به حدود تبت و چین رفته است، هر چند درین باب تردید هست و به نظر می‌آید اطلاعات او درین باب از مقوله منقولات و مسموعات باشد. در هر حال آنچه در باب ایران در سیاحتنامه او آمده است از جهت تاریخ ایران مفیدست. بموجب آنچه از روایت وی برمی‌آید در هنگام مسافرت وی به ایران درین سرزمین کمتر شهر مهمی وجود داشته که قوم یهود در آنجا سکونت نداشته‌اند. چنانکه مطابق روایت او در شوش که محل تابوت دانیال بوده است هفت هزار یهودی بوده با ۱۴ کنیسه و در حلوان و نهاوند چهل هزارتن یهودی و در اصفهان پانزده هزار و در شیراز ده هزارتن سکونت داشته‌اند اما این ارقام در هر حال خالی از مسامحه نیست و با آنکه بسیاری از آنها شاید مبتنی بر منقولات باشد بهر حال جالب است.

درین اینگونه کتابها مشهورتر از همه گزارش سیاحت مارکوپولو (Marco Polo) سیاح معروف ونیزی است که از تقریر و تحریر او روایات مختلف در دست است. مارکوپولو با پدر و عم خود که هر دو از سوداگران مشهور ونیز بوده‌اند بقصد بلاد چین و مغول از ایران گذشته به دربار قویلای قآن رفته است و پس از مراجعت به اروپا دیگر بار به دربار خان مغول بازگشته است و درین سفر در طی اقامت ممتد خویش مسافرتها و مشاهدات جالب داشته و نیز خیلی مأموریت‌های مهم یافته است که گزارش آنها را در بازگشت به وطن هنگامی که به زندان جنوا (Genoa) بوده املاء کرده است و نسخه‌ی هم بعدها خود نوشته و به یکی از نام‌آوران معاصر خویش سپرده است. مارکوپولو، در طی این مسافرتها ضمن عبور از ایران بلاد تبریز و سلطانیه و ساوه و کاشان و یزد و کرمان را دیده است و از بنادر خلیج فارس و هرمز عزیمت کرده است. درباره این بلاد و احوال طرق آنها اطلاعات بدیع در سیاحتنامه او آمده است. در نزدیک تبریز صومعه‌ی مسیحی منسوب به برصوما را مشاهده کرده و از تبریز به بعد خرابیهایی را که بسبب تاتار برای ایران وارد آمده است غالباً یاد کرده است. ساوه را نیز که موطن آن سه تن مجوس مشهور بوده است که در ولادت مسیح برای زیارت او به اورشلیم رفته‌اند در سر راه دیده است و شهر یزد را «شهری خوب و ممتاز» توصیف می‌کند که در آنجا «پارچه ابریشم مخصوصی تهیه می‌کنند که آن را یزدی می‌خوانند» چنانکه کرمان را نیز ولایتی زیبا خوانده است و از فیروزه‌های جالب و از قلابدوزیهای بدیع آن

تعریف می‌نماید و از معادن آهن آنجا که بعقیده وی «فولاد معروف هندی» از آن ساخته می‌شود یاد می‌کند. باری باآنکه گزارش مسافرت مارکوپولو حتی در زمان حیاتش چندان جدی تلقی نشد و در هر حال از مسامحات و اشتباهات بسیار خالی نیست ولیکن باز مورخ را از رجوع بدان چاره نیست و درباب احوال و آداب مغول و اوضاع ایران در عهد استیلاء آن قوم اطلاعات مفید از آن کتاب بدست می‌آید. مقارن همین سالها و چندی بعد از بازگشت مارکوپولو بعضی راهبان نصاری نیز از بلاد ایران گذشته‌اند و اسفار آنها هم خالی از فواید علمی نبوده است. از آنجمله یکی ریکولد (Ricolde) نام است از اهل مونته کروچه (Monte Croce) نزدیک فلورانس که کشیشی از فرقه دومینیکن بوده است و در حدود سنه ۱۲۸۷ میلادی به شام و آسیای صغیر و ایران سفر کرده است و در بغداد به تعلم قرآن و کتب مسلمین اهتمام نموده و در حدود سال ۱۲۰۱ به فلورانس بازگشته است. ریکولد از طریق ارمنیه به آذربایجان رفته سپس به بلاد اکراد سفر کرده است. درباره کردن می‌نویسد که مردمی بوده‌اند برهنه و قطاع الطریق که در حیلہ گری و مردم آزاری از همه طوایف وحشی سخت‌ترند و بهمین سبب حتی مهاجمین تاتار نتوانسته‌اند آنها را به زیر یوغ انقیاد خویش در آورند. دیگر ازین سیاحان اودوریک (Odoric) نام است از اهل پوردنونه (Pordenone) واقع در ایتالیا که از کشیشان و راهبان فرقه فرنسیسکن بوده است و در سنه ۱۳۱۶ تا ۱۳۳۰ میلادی از راههای آسیای صغیر و ایران به هند و سوماترا و چین و تبت مسافرت‌های متعدد کرده و در بازگشت شرح مسافرت‌های خود را تقریر نموده که باقی و جالب است. اطلاعات او دربابت ایران از جهت بیان احوال ایران در عهد ایلخانان اهمیت تمام دارد. مع هذا زود باوری و ساده دلی این کشیش اقوال و روایات او را سست و بی اعتبار و کم فایده جلوه داده و حتی سبب شده است که بعضی او را به مبالغه گوئی بلکه به کذب و جعل منسوب بدانند. در هر حال بعد از سفر اودوریک و هم در عهد ایلخانان، کشیشان و راهبان مسیحی مکرر بقصد تبلیغ و نشر دعوت به بلاد ایران آمدند و حتی در بعضی بلاد مثل تبریز و مراغه و دهخوارقان و سلطانیه مراکز و معابد تأسیس کردند مع ذلک بازوال عهد ایلخانان این مجال و فرصتی که به آنها داده شده بود ختام یافت و در عهد تیمور تجدید و تمدید آن میسر نبود. لیکن از عهد تیمور نیز یادداشتها و سیاحتنامه‌هایی چند باقی است که خالی از فواید نیست. از آنجمله یکی سیاحتنامه

کلاویخو (Clavijo) سفیر اسپانیا در دربار تیمور است که اصل آن در زبان اسپانیایی احوال و اعمال تیمور کبیر نام دارد. کلاویخو در سال ۱۴۳۰ مسیحی از راه دریا به قسطنطنیه رفته و از آنجا از طریق طرابوزان به ایران آمده و به سمرقند رهسپار شده است. در سمرقند تیمور که ایام اواخر عمر خویش را می‌گذرانیده وی را با هیأتی که همراه داشته با مهربانی پذیرفته است و او را به ضیافتها و تشریفها نواخته است. ولیکن هر چند بیماری و سپس مرگ تیمور این سفارت پرمخاطره و طولانی کلاویخورا بی‌نتیجه کرد سفرنامه‌یی که از گزارش آن باقی مانده است از جهت تاریخ اهمیت تمام دارد. امروز خواننده این کتاب تعجب خواهد کرد که در ایران در طی این قرون اخیر، احوال طرق چندان تغییر پیدا نکرده است. چون هنوز مسافری که با حیوان و کاروان از تبریز و تهران به مشهد می‌رود کم و بیش همان راه را باید طی کند که پانصد سال قبل کلاویخو طی کرده است.^{۱۳۳} بهر حال کتاب کلاویخو در باب احوال اجتماعی و اداری آن روزگاران سندی مشروح و مأخذی مهم و دقیق بشمارست. درین سفر کلاویخو نه فقط مجالس درباری و احوال امراء و حکام را که خود دیده است بلکه حتی کله‌منارهایی را هم که به چشم خویش ملاحظه کرده (سفرنامه، فصل نهم) و نشانه‌یی از درنده‌خویی و بیرحمی تیمور بشمارست توصیف کرده است. دیگر گزارشی است که هانس شیلدبرگر (H. Schildberger) سرباز آلمانی از اهل باویر نوشته است. وی در لشکر بایزید سلطان عثمانی یکچند به اسارت می‌زیسته و سپس در جنگ انگوریه بدست لشکر تیمور اسیر گشته است. شیلدبرگر مدتها بعد از وفات تیمور نیز در بلاد ماوراءالنهر سرگردان بوده است تا آنکه بعد از ۳۲ سال اسارت و آوارگی از راه باطوم و قسطنطنیه به وطن خویش بازگشته است و در مراجعت به وطن شرح حال خویش را بازگفته است. گزارش احوال او که در مراجعت به وطن تقریر کرده است با آنکه متضمن اطلاعات دقیق نیست و بعضی مطالب آن هم ظاهراً از سفرنامه‌های مارکوپولو و کلاویخو و دیگران اخذ و نقل شده و در بعضی دیگر خلط و اشتباه بسیار روی داده است باز کمک مؤثری به فهم بسیاری وقایع آن عصر تواند کرد. گزارش احوال سفراء و نمایندگان دول اروپائی (مثل جمهوری ونیز) که بعد از زوال عهد تیمور و جهت جلب اتحاد امراء ترکمانیه ایران در مقابله با تهدید ترکان عثمانی آمده‌اند نیز از ماخذ سودمند تاریخ ایران درین ادوارست. از آنجمله گزارشهایی است

از سفیران ونیزی که در سالهای بین ۱۴۷۱ تا ۱۴۷۸ مسیحی از جانب جمهوری ونیز و به نیت فتح باب مناسبات تجارتي و جلب روابط اتحاد در مقابل دولت عثمانی به دربار اوزن حسن سلطان آق قوینلو آمده‌اند. از این سیاحان یا سفیران ونیزی یکی کاترینو زنو (Caterino Zeno) نام داشته دیگر جیوسفا باربارو (Giosefa Barbaro) و سومی موسوم به آمبروجو کنتارینی (Ambrogio Contarini) بوده است و از هر سه تن گزارش سفر بازمانده است که همه متضمن اطلاعات و معلومات سودمندند و نظایر آنها در ماخذ و تواریخ فارسی آن روزگاران بدست نمی‌آید. گزارش زنو مخصوصاً اطلاعات جالبی را در باب احوال ایران آن عصر در بردارد. زنو پیش از این مأموریت نیز به بلاد مشرق آمده بوده است و جمهوری ونیز او را به همین سبب مناسب و لایق این سفارت شمرده است. کاترینو زنو خواهرزاده دسپینا خاتون زوجه عیسوی اوزن حسن بوده و ازین جهت در دربار وی کسب نفوذ کرده میان امیرترکمان و سلطان عثمانی محمد دوم، اختلاف و تفرقه بی پدید آورده است که بین آنها کار به جنگ کشیده است. گزارش زنو جهت همین ارتباط و خویشاوندی سببی با اوزن حسن یعنی خاص دارد. باربارو نیز پیش ازین مأموریت مسافرتی به بلاد تاتار کرده بود. در طی این مأموریت جدید وی در بلاد کرد و در جبال آذربایجان مکرراً سیب حوادث دیده است. در ۱۴۷۴، چندی بعد از ورود او به تبریز، چون اوزن حسن با طغیان پسر خویش مواجه گشته به دفع وی عازم شیراز بود وی نیز در دنبال موکب اوتا سلطانیه رفت و پس از آن به اصفهان و شیراز و حتی ظاهراً به هرمز نیز مسافرت کرد. در تفصیل گزارش او نیز چون مشهودات با مسموعات بهم در آمیخته است بدرستی نمی‌توان آنچه را وی بچشم خود دیده است از آنچه به صورت روایات و شایعات شنیده است تفکیک کرد مع هذا تفصیلات و اطلاعاتی که در باب طرق و بلاد بین راه، خاصه اصفهان و گلپایگان و خمین و کاشان و یزد و شیراز داده است جالب است. مخصوصاً طرز آبیاری بلاد مزبور و وضع ساختمان قناتها را با دقت نظر مخصوص بیان کرده است. در اصفهان بسال ۱۴۷۴ باربارو هموطن خود آمبروجو کنتارینی را ملاقات کرده است که سالی پیش از آن از ونیز بیرون آمده و عنوان مأموریت و سفارت داشته است. کنتارینی در دربار اوزن حسن یکچند همراه باربارو بوده و شرح مسافرت او در آذربایجان و عراق جالب است. اوزن حسن بعد از وصول به تبریز او را رخصت انصراف داد و باربارو را نگه داشت. باربارو تا وفات اوزن حسن در آنجا ماند. بهر حال این هر سه گزارش با سه گزارش دیگر

دریک مجموعه به انگلیسی ترجمه و بوسیله انجمن ها کلیوت انتشار یافته است.^{۱۱۴} از سه گزارش دیگر آن مجموعه نیز یکی درباره زندگی و اعمال اوزن حسن و دو دیگر راجع به اوایل عهد صفویه است. در هر حال در حوادث و آشوبهای آن ایام وجود این گزارش ها بسیار مغتنم است و بسیاری از نکات مبهم و تاریک آن روزگاران را روشن می کند. از جمله سفرنامه ها و گزارشهایی که راجع به اوایل عهد صفویه اطلاعات مفید دارد گزارش مسافرت تاجری است از اهل ونیز که جیووان ماریا آنجولتو (G. M. Angioletto) نام داشته و اطلاعات بدیع در باب احوال شاه اسماعیل اول صفوی می دهد و صباحت منظر و قدرت و چالاکی و همچنین محبوبیت او را در بین مریدان قزلباش می ستاید و در عین حال او را از حیث جباری با نرون امپراطور روم مقایسه می کند. گزارش آنجولتو در ضمن مجموعه گزارشی دیگر است از یک سفیر ونیزی موسوم به وینچنتیو دالساندری (V. d'Alessandri) که در سال ۱۵۷۱ به دربار شاه طهماسب اول در قزوین آمده و سالی چند در دربار ایران بسر آورده است و در سفرنامه خود که عبارتست از گزارش وی خطاب به مجلس اعیان و نیز معلومات جالبی در باب اخلاق و اطوار شاه طهماسب ذکر می کند که خواندنی است و بعضی از آنها را مطالعه تذکره شاه طهماسب نیز تأیید می کند. در باب احوال عهد شاه طهماسب گزارشهای اسفار بازرگانان انگلیسی مانند انتونی جنکینسن (A. Jenkinson) و آرثر ادواردز (A. Edwards) و لارنس چپمن (L. Chapman) که از طریق روسیه و از جانب «شرکت لندن» (London Society) به ایران آمده اند نیز مفیدست. در گزارش جنکینسن و ادواردز اطلاعاتی در باب احوال آذربایجان در آن روزگاران هست که خالی از فایده نیست و در گزارش چپمن راجع به بلاد گیلان و رودبار که در آن زمان بنابه گزارش وی فقر و ولایت باعسرت رعیت همراه بوده است نکته های تازه هست.^{۱۱۵} نیز از اینجمله است سفرنامه سیاحی ایتالیائی موسوم به پیترودلاواله (Pietro della valle) که از اهل ونیز بوده و به مصر و شام و هند هم مسافرت کرده است. مسافرت او به ایران مقارن عهد شاه عباس کبیر اتفاق افتاده و وی خود در بعضی مسافرتهاى شاه عباس حاضر و همراه بوده است. سفرنامه دلاواله متضمن نکات جالب در باب تاریخ صفویه و احوال اداری و اجتماعی عهد شاه عباس است. پیترودلاواله در مقایسه بین ایران و مملکت عثمانی ایران را برتر دانسته و حتی یک جا آن را از اروپا نیز چندان فرودتر شمرده است. در بین سفرنامه های فرنگی که حاوی اطلاعاتی در باب دوران صفویه بشمارند یکی گزارش تکتاندر (Tectander) است از اهل

ساكس آلمان كه همراه هيأتی از جانب رودلف دوم قيصر آلمان به ايران آمده و پس از فقدان همراهان خویش كه در راه وفات یافته اند به سال ۱۶۰۳ میلادی در تبریز به خدمت شاه عباس پیوسته است. در گزارش او اطلاعات و نکته های مفید راجع به احوال بلاد آذربایجان و گیلان در آن دوره بدست می آید. چنانكه از یادداشت های فن پوزر (Von Poser) نیز كه چند سالی بعد از وی و در همین ایام به ايران آمده است معلومات مفید در باب بلادی مانند گلپایگان و اصفهان و یزد و طبس و بیرجند و طرق و مسالك ايران و هند بدست می آید. بعضی حادثه جویان نیز برای كسب نام یا در جستجوی ثروت و مقام از اروپا به درگاه سلاطین صفوی آمده اند؛ مثل برادران شرلی كه گزارش سفرهای آنان نیز از جهت تحقیق و تاریخ خالی از فایده نیست. نیز گزارش های مفصل و بسیار در وصف سفارتهای و سیاحت های اروپائیان درین زمان در دست هست كه ذكر همه آنها درین صحایف ممكن نیست. غالب این گزارشها با آنكه از آنچه «دروغ جهان دیدگان» نام دارد و از قضاوت های سطحی خالی نیست در تحقیق تاریخ این ادوار علی الخصوص تبیین احوال اداری و اجتماعی آن ایام مفیدست. صورتی از تألیفات این سیاحان فرنگی كه متضمن اطلاعات راجع به ايران است در ضمن مقدمه ای كه شارل شفر بر كتاب اوضاع ايران تألیف رفاؤل دو مانس (Raphael Du Mans) نوشته شده است آمده است و مراجعه بدان تألیفات، بسیاری از نکات مبهم و تاریك عهد صفویه را روشن می کند. چنانكه از یادداشت های نیکیتین (A. Nikitine) تاجرو سیاح روسی كه موسوم است به مسافرت به ماددای دریا های مه گانه در باب اوضاع داغستان و قفقاز مقارن اوایل ظهور صفویه و درباره احوال دربار فرخ یسار شیروانشاه بعضی اطلاعات بدست می آید^{۱۱۶} و همچنین گزارش دون گارسیا (Don Garcia) اصیل زاده اسپانیائی با وجود اشتغال بر مسامحات خالی از فواید نیست. این اصیل زاده اسپانیائی در سنه ۱۶۱۴ میلادی از جانب پادشاه اسپانیا به قصد مذاکره در باب تجارت ابریشم به ايران آمده است و در سنه ۱۶۱۷ از طریق هرمز و بندر عباس و لارو شیراز به قزوین رفته است و در طی مدت اقامت خود در ايران تفصیلات جالبی در باب اوضاع بلاد و طرق و احوال حکام و رعیت در عهد شاه عباس صفوی در سیاحتنامه خود نقل نموده است. سفارت وی در ايران هر چند نتیجه مطلوب به بار نیاورد لیکن از جهت فوایدی كه در سیاحتنامه او آمده است آن را بی فایده نمی توان شمرد. ولیکن گزارش مسافرت اولناریوس بسبب آنكه مؤلف اهل فضل و مردی مطلع و دقیق بوده بسیار

جالب و مفید واقع شده است. این آدام اولئاریوس (Olearius) که گوته شاعر معروف آلمان در یادداشتها و تعلیقات بر دیوان شرق و غرب خویش او را «مرد ممتاز» (Treffliche Mann) می خواند در عهد سلطنت شاه صفی همراه فرستاده دولت هلشتاین به ایران آمد. ۱۱۷ به درگاه شاه راه یافت لیکن بسبب اختلاف و ستیزه‌ی که با سفیریافت از او جدا شد و یکچند به خدمت روس درآمد. اما بعد چون امیر هولشتاین سفیر را مجازات کرد وی به وطن بازگشت و گزارش سفر خویش را به زبان لاتین منتشر کرد. اولئاریوس یا مطابق اسم واقعی او اولشله‌گر (Oelschläger) درین کتاب خویش اطلاعات مفید در باب ایران ضبط و تدوین نمود چون زبان فارسی را نیز خوب آموخت گلستان سعدی را به کمک ایرانیان به آلمانی ترجمه نمود. این ترجمه خود نخستین ترجمه گلستان به زبان آلمانی بود. ۱۱۸ سفرنامه اولئاریوس که متضمن اطلاعات سودمند در باب احوال و اوضاع ایران در عهد خونین بعد از سلطنت شاه عباس اول و حاوی نکات جالب راجع به آداب و رسوم جاری در آن روزگارست چندی بعد به فرانسوی و انگلیسی نیز ترجمه شد و در واقع از مآخذ بسیار مهم برای تاریخ ایران در اواخر عهد صفویه بشمار می رود. مآخذ دیگر گزارش رفائل دومانس کشیش فرانسوی و رئیس هیأت مبلغین کاپوسن در اصفهان است. وی در سال ۱۶۲۶ از طریق حلب و بغداد به ایران آمده است و نزدیک پنجاه سال در اینجا زیسته و مورد عنایت شاه عباس دوم واقع شده است و به دستگاه او نیز خدمات متعدد انجام داده است. چنانکه عده‌ی از سیاحان فرنگی رانیز که در این ایام به ایران می آمده اند کمک و هدایت کرده است و اطلاعات مفید به آنها داده است. گزارش او موسوم است به وضع ایران در ۱۶۶۰ (*Estat de la Perse en 1660*) که آن را به کلبر (Colbert) وزیر معروف لوئی چهاردهم تقدیم کرده و مشتمل است بر اطلاعاتی مفید در باب وضع حکومت و حال رعیت و مملکت در ایران. کتاب او مخصوصاً بسبب دقت نظر و احتواء بر مطالب متنوع اهمیت دارد. اما مشهورترین و مهمترین این سیاحتنامه‌ها در واقع سفرنامه شاردن فرانسوی است در ده مجلد. این شوالیه شاردن (J. Chardin) که فرزند جواهر فروشی صاحب مکننت بود، در سنه ۱۶۶۵ مسیحی هنگامی که هنوز ۲۲ سال بیش نداشت عزیمت سفر مشرق کرد و در طی چند سال سه بار به ایران آمد و از ایران به هند نیز سفر گزید. وی زبان فارسی را نیکو آموخت و به مطالعه کتب و اطلاع از احوال و اخبار گذشته ایران رغبت ورزید و نزد پادشاه صفوی تقرب یافت چنانکه جوهری یا زرگرباشی

دربار پادشاه وصاحب عنوان «تاجرسلطان» گشت. چون مذهب پروتستان داشت در بازگشت به اروپا دیگر در فرانسه که هم مذهبانش مورد آزار و عقوبت بودند نماند. به انگلستان رفت و تا آخر عمر در آنجا بود. در بین تمام سیاحان اروپائی که بایران آمده اند کسی که توانسته است جامعترین و مفصلترین شرح را در باب احوال ایران و اوضاع بلاد و آداب و رسوم و تاریخ و دیانت و طرز معیشت اهل ایران در عصر خود بنویسد شوالیه شاردن است و کتاب او که چاپ انتقادی دقیقی از آن بوسیله لانگله در پاریس انتشار یافته، از مهمترین و دقیقترین ماخذ اطلاعات در باب تاریخ صفویه است. ماخذ دیگر گزارش ژان باپتیست تاورنیه (J.B. Tavernier) است که نیز مانند شاردن جواهر فروش بوده و سی سال قبل از او به مسافرت ایران آمده است. تاورنیه در فاصله سالهای ۱۶۳۱ تا ۱۶۶۸ مسیحی لاقلاً شش بار به ایران سفر کرده و کتاب او که نیز مانند کتاب شاردن مشحون از اطلاعات مفید در باب احوال طرق و بلاد و اوضاع مملکت و تاریخ و عقاید و آداب اهل ایران است، با وجود اشمال بر مسامحات فواید بسیار دارد. بسبب همین مسامحات و اشتباهات است که کتاب تاورنیه، جز در آنچه مؤلف از دیدار خویش نقل می کند، چندان قابل اعتماد نیست و چون ظاهراً خود وی به زبان فارسی نیز آشنائی نداشته است مسموعاتش نیز گاه خالی از اشتباه نمانده است. مع هذا گیبون (Gibbon) وی را «سیاح جواهر فروشی» می خواند که هر چند چیزی نخوانده است لیکن بسی چیزها دیده و خوب دیده است.^{۱۱۹} در هر حال کتابش برای تاریخ عهد صفویه خالی از فایده نیست. چنانکه گزارش ژان تهنو (Thévenot) فرانسوی نیز با آنکه توقف وی در ایران چندان طولانی نبوده است و خود به سال ۱۶۶۷ در میانه آذربایجان وفات یافته است و همچنین کتاب لاتینی چهل ستون اثر پدروس بدیک (Pedro Bedik) نیز با وجود اشمال برداوریهایی سطحی و عقاید تعصب آمیز بر ضد اسلام بسبب اشمال بر توصیفات جالب از ابنیه و قصور اصفهان و خزائن و کتابخانه های سلطنتی خالی از فواید نیست. دیگر گزارش انگلبرت کمپفر (E. Kaempfer) سیاح و طبیب و محقق آلمانی است که همراه سفیر سوئد در سال ۱۶۸۴ به ایران آمده و یکچند در ایران و نواحی مجاور زیسته است. وی در شمال و جنوب ایران سفرها کرده است و گزارش او گذشته از اشمال بر پاره بی معلومات راجع به جغرافیا و نباتات ایران حاوی اطلاعات گرانبھائی راجع به احوال اداری و نظامی و مالی مملکت در آن زمان است و ظاهراً قسمتی از آن اطلاعات وی نیز مانند بعضی اطلاعات

ته ونو و بدیک و دیگران مأخوذ از روایات رفائل دومانس (ونه از کتاب او) است. مأخذ دیگر کتاب سانسون (Sanson) کشیش و مبلغ فرانسوی است بنام وضع کنونی ایران. مؤلف در ۱۶۸۳ به ایران آمده و یکچند در قزوین و خوزستان و اصفهان اقامت داشته است. وی در مدت اقامت خود از احوال ایران اطلاع دقیق حاصل کرده و در مراجعت از جانب شاه سلیمان صفوی نامه بی جهت پادشاه فرانسه برده است. در هر حال کتاب او حاوی اطلاعات سودمند در باب تاریخ این دوره است.

دیگر کتاب ژان اوتر (J. Otter) فرانسوی است به نام سیاحت در عثمانی و ایران که در ۱۷۴۸ طبع شده است و دیگر سفرنامه اولیویه (Olivier) فرانسوی است در سه جلد که یک جلد آن راجع به ایران است. اوتر مقارن عزیمت نادر شاه به سفر هند در سال ۱۷۳۸ مسیحی از جانب حکومت فرانسه به اصفهان آمده است تا اوضاع ایران را تحقیق کند و در باب استقرار روابط بازرگانی نیز اقدام نماید. بموجب قول او در این زمان پایتخت باشکوه و زیبای صفویه متروک و خراب می‌نموده است و حتی قصور سلطنتی هم متروک و مشرف به خرابی بوده است. درباره سیاست نادر شاه اوتر بدرستی متوجه شده است که آن سردار جنگجوی بیشتر به امر جنگ و نظام توجه می‌ورزیده است و امر تجارت، خاصه بازرگانی خارجی، چندان در نظر وی اهمیت نداشته است. مأخذ دیگر کتابی است بنام تاریخ انقلاب ایران تألیف پادری کروسینسکی (T. Krusinsky) که شرح مؤثر و مفیدی در باب کیفیت سقوط صفویه و هجوم افغانه به اصفهان که بر حسب روایت وی با قحطی و گرسنگی شدید و خونریزی و کشتار فجیع توأم بود و مردم از بینوائی حتی گوشت انسان می‌خورده‌اند دارد. مؤلف نزدیک بیست سال در ایران اقامت داشته است و رئیس یسوعیهای اصفهان بوده است. او در هنگام فتح اصفهان به دست افغانه در آنجا بوده و آن احوال قحطی و کشتار و آن حوادث خونین را بایبانی مؤثر شرح داده است. مأخذ دیگر گزارشهای جانس هانوی (Jonas Hanway) بازرگان و جهانگرد انگلیسی است که در عهد نادر شاه از راه روسیه به ایران آمده و بعد از چند سال به دیار خود بازگشته است. وی در بلاد مختلف به بازرگانان و سیاحان متعدد فرنگی برخورد که بعضی‌شان از سالها پیش در ایران اقامت داشتند و به احوال بلاد و اوضاع و حوادث ایران وقوف یافته بودند. از جمله یکچند نیز با هموطن خود جان التون (J. Elton) معروف، که از راه پترزبورگ به ایران آمده بود و چندی به قصد تهیه بحریه بی

جهت نادرشاه در حدود بحر خزر فعالیت و اهتمام می کرد، برخوردار و بهر حال اطلاعات سودمند در طی این مسافرت خویش بیندوخت. گزارشهای هانوی حاوی چهار مجلدست و در آنها وقایع ایران را از سقوط صفویه تا پایان عهد نادر شرح داده است. البته آنچه وی در باب سقوط صفویه و هجوم افغانه آورده است از مشهودات او نیست و غالباً منقول از کروسینسکی است. لیکن اطلاعاتی که در باب وقایع عهد نادرشاه داده است غالباً آنها از دیدار او و مستکی بر اطلاعات مهم و جالب است. نامه هایی نیز از رنه بازن طبیب و کشیش فرانسوی باقی است که در باب اواخر عهد نادرشاه و حوادث بعد از قتل او متضمن اطلاعات سودمندست.^{۱۲۱}

در عهد قاجاریه که اوایل آن دوره رقابت بین فرانسویها و انگلیسیها جهت کسب نفوذ در ایران و بعدها دوره رقابت و کشمکش بین روس و انگلیس بود، سفارتهای و مسافرتهاى متعدد وقوع یافت که موجب تدوین و تألیف گزارشها و سفرنامه هایی مانند کتاب جالب و عمیق سر جان ملکم (Sir J. Malcolm) موسوم به طرحهایی از ایران و مثل یادداشتهای ژنرال گاردان (Gardane) موسوم به تفصیل مأموریت و یادداشتهای ژوبر (A. Jaubert) و ترهزل (Trézel) و کتاب سرهارفورد جانز و امثال آنها گشت. غالب این سفرنامه ها مخصوصاً جهت اطلاع بر کیفیت نفوذ تدریجی دول اروپائی در دولت قاجاری اهمیت دارد و البته آن سادگی و کم غرضی که تاحدی در آثار سیاحان و تجار اروپائی عهد صفویه و قبل از آن هست درین کتابها نیست و مورخ در استفاده از این ماخذ باید به این نکته توجه خاص داشته باشد. چنانکه شواهد این اغراض و مقاصد را در کتاب معروف جیمز موریه (Mourier) بنام حاجی بابا می توان یافت. کتاب حاجی بابا با وجود اشمال بر بعضی حقایق از جهت طرز بیان و لحن کلام فاسد و غرض آلوده است. دو جلد سفرنامه موریه نیز از همین لحن ناساعد خالی نیست و گویند بعضی از فصول آن را در همان ایام برای فتحعلی شاه ترجمه کرده بودند و او را زیاده خشمگین کرده بود. در واقع تمام مدت اقامت موریه در ایران در طی هر دو سفر او پنج سال بیش نکشید و اطلاعاتی که او درین مدت در سفرنامه گرد آورد بسیار ناچیز و مشحون از مسامحات و اغراض بود. درین دو سفرنامه موریه ضمن ذکر آداب و رسوم ایرانیها سعی کرده است نظایر آنها را در رسوم و عادات قدیم ملل مشرق و روایات توراة و انجیل بیابد و با اینهمه اطلاع او از زبان فارسی و از اشتقاق و لغت بسیار اندک

بوده است و همین ملاحظات این اندیشه را پیش می‌آورد که کتاب حاجی بابای او برخلاف مشهور و درست مطابق ادعای خود او در واقع ترجمه‌یی باشد از اصلی فارسی که نویسنده آن ایرانی مطلعی بوده است و اقف به طرز افسانه نویسی اروپائیان.^{۱۲۲} در بین سایر گزارشها و سیاحتنامه‌های متعدد سیاحان و سفیران اروپائی که عهد قاجاریه را امتیازی خاص می‌بخشد چند کتاب بالنسبه مهم را در این مقام باید ذکر کرد. از آنجمله است گزارش ویلیام اوسلی (W. Ouseley) که بعنوان منشی سفارت همراه برادر خویش سرگور اوسلی (Gore Ouseley) به ایران آمد. دیگر سفرنامه گاسپار دروویل (G. Drouville) سرهنگ فرانسوی است که در سالهای ۱۳ - ۱۸۱۲ به ایران آمده و در کتاب خود اطلاعات مفیدی در باب نظام عهد فتحعلی شاه قاجار و اقدامات پسرش عباس میرزا نایب السلطنه داده است. دیگر سفرنامه کریپورتر (Ker Porter) (۲۰ - ۱۸۱۷) است که در قفقاز و ایران مسافرت‌هایی کرده است. دیگر سیاحتنامه ج. بی. فریزر (J.B. Fraser) که در بین‌النهرین و کردستان و خراسان مسافرت‌ها نموده است و همینگونه کتابها در آن ایام یگانه مأخذ اطلاعات عامه اهل اروپا بوده است از احوال ایران. دیگر گزارش فریه (Ferrier) فرانسوی است که در خراسان و مشرق ایران مسافرت‌هایی کرده است و نیز کتابهای گلدسمید (Goldsmid) که در باب بلوچستان و سیستان و احوال بلاد بین فارس و خراسان اطلاعات مفید داده است. چنانکه وی در تعیین حدود این نواحی نیز مأموریت داشته و مطالعاتی در احوال مکران و بلوچستان نموده است. کتاب هنری لیارد (Henry Layard) انگلیسی نیز در باب خوزستان و بلاد جنوب غربی محتوی اطلاعات مفید است. چنانکه موریتز واگنر (M. Wagner) در گزارش خود موسوم به مسافرت بایران و سرزمین کردان اطلاعاتی در باب کردستان و احوال آنروز ایران بیان داشته است و خانم شیل (Sheil) در ضمن گزارش خود راجع به زندگی و رسوم در ایران معلوماتی در احوال دولت ایران و رجال مملکت بدست داده است. چنانکه سیاحتنامه برزین دانشمند روسی موسوم به سیاحت مشرق ۵۲ - ۱۸۴۹ متضمن اطلاعات سودمند در باب بلاد شمالی ایران است و همچنین گزارش مسافرت برنهارد دورن دانشمند روسی و ملگونوف (Melgounov) در سالهای ۶۱ - ۱۸۶۰ متضمن تحقیقات بسیار مهم و جالبی در باب بلاد ایران در سواحل دریای خزر است که هم‌اکنون نیز فایده

تمام دارد. ۱۲۳ نیز از ماخذ مفید درباب تاریخ این ایام ایران کتاب کنت دوگوبینو (de Gobineau) فرانسوی است به نام سه سال در آسیا که مخصوصاً از جهت تاریخ و نهضت بایه مرجع مهمی است. دیگر کتاب مشهور دکتر پولاک (J.E. Polak) اتریشی، طبیب ناصرالدین شاه و معلم دارالفنون تهران است که تحت عنوان ایران، مملکت و ساکنانش منتشر شده است و محتوی معلومات سودمندی درباب احوال اجتماعی و مالی است و مخصوصاً اطلاعاتی جالب درباب احوال و مقاصد میرزاتقی خان امیرکبیر که هنگام ورود او به طهران معزول شده بود دربر دارد که در ماخذ دیگر نیست. دیگر کتاب لرد کرزن (Gurzon) معروف است بنام ایران و مسأله ایران که محتوی اطلاعات مفید و بدیع و گنجینه بی از معلومات مهم درباب احوال آن روز ایران است. لرد کرزن قسمتی از اطلاعات مندرج در این کتاب جامع و مفصل را طی مسافرتهایی که در سالهای ۹۰ - ۱۸۸۹ بعنوان مخبر روزنامه تایمز در ایران کرده است بدست آورده و برای قسمتهای دیگر از کتب و از معلومات اشخاص مطلع استفاده نموده است. درین ماخذ دیگر جهت احوال دربار ناصرالدین شاه یادداشتهای دکتر فوریه (Fevrier) را می توان یاد کرد که به عنوان سه سال در دبداد ایران مشهور است. مقارن عهد قاجار، بعضی اسفار و تحقیقات که گزارشهایی از آنها باقی است مخصوصاً به قصد تتبع در آثار عتیقه و کشف وجستجو و حفاری در اتلال و انقاض باقی مانده از اعصار قدیم بعمل آمده است که حاصل آنها برای تاریخ، ولیکن مخصوصاً بیشتر برای تاریخ قبل از اسلام، اهمیت تمام دارد. درین اینگونه آثار می توان از گزارشهای بوکینگهام (Buckingham) که در عراق و ایران پژوهشهایی کرده و لیارد که در خوزستان و مناطق بختیاری تحقیق نموده است یاد کرد. نیز از مسافرتهای راولینسن (Rawlinson) در کردستان و آذربایجان و از تحقیقات دمورگان (De Morgan) که در خوزستان مطالعات سودمند کرده است باید یاد کرد. البته ذکر فهرست تمام اینگونه گزارشها که مخصوصاً هر قدر به عصر حاضر نزدیکتر آید تعداد آنها بمراتب بیشتر می شود در این صحایف میسر نیست خاصه که بیشتر این تحقیقات به ادوار ما قبل اسلام از تاریخ ایران راجع است نه دوره بی که در این کتاب مورد توجه ماست. باری از چند کتاب مهم دیگر نیز در اینجا باید یاد کرد. یکی سفرنامه مسادم دیولافوا (J. Dieulafoy) است که نویسنده در سال ۱۸۸۱ به اتفاق

شوهر خود مارسل دیولافوا از راه عثمانی وقفقاز به ایران آمده و در شمال و مرکز و بلاد جنوبی ایران مسافرت‌هایی کرده است. سفرنامه مادام دیولافوا جالب و خواندنی است و اطلاعاتی مفید در باب احوال اجتماعی و اداری ایران عهد ناصری در بر دارد. مارسل دیولافوا مهندس و باستان‌شناس بوده است و بعد از بازگشت به فرانسه نیز دیگر بار جهت کاوش در آثار عتیقه به ایران آمده است و چند سال دیگر در ایران بسر برده. کتاب مادام دیولافوا با وجود اشتمال بر اغلاط و مسامحات تاریخی، از جهت بیان احوال حکومت و اوضاع طرق و طرز معیشت عامه در این ایام فایده بسیار دارد و از مراجع مفید برای تحقیق این دوره از تاریخ ایران بشمار است. مأخذ دیگر عبارتست از سفرنامه ممتع و سودمند ادوارد براون موسوم به یک سال در میان ایرانیان که در باب احوال اجتماعی و اخلاقی و فرهنگی ایران مقارن دوره ظهور مشروطیت منبع بسیار مهمی است. مأخذ دیگر کتاب سرپرسی سایکس (P. M. Sykes) است موسوم به ده‌هزار میل در ایران که آن نیز مانند کتاب ایران لرد کرزن مشحون از اغراض و کاشف از مقاصد سیاسی نویسنده است و با اینهمه از فواید و اطلاعات مهم خالی نیست. سرپرسی سایکس در ایران سفرهای متعدد کرده است و بجز این کتاب چندین کتاب دیگر هم درباره این سیاحت‌های خویش نوشته است. در باب اسفار جدیدتر و همچنین در باب فواید جغرافیایی متعدد که از تمام اینگونه سفرنامه‌ها بدست تواند آمد کتاب جامع و ممتع آلفونس گابریل (A. Gabriel) موسوم به اکتشاف ایران (*Die Erforschung Persiens*) را باید خواند که تحقیقی است جامع در باب سیر و تحول معلومات جغرافیایی در باب احوال ایران. مؤلف خود در ایران، خاصه بلوچستان و کویر لوت و بلاد مجاور، مکرر به قصد تحقیقات مسافرت کرده و کتاب او گذشته از اشتمال بر تحقیقات دیگران بر مطالعات شخصی نیز متکی است.

یادداشتها و خاطرات شخصی نیز که گاه‌گاه بدست می‌آید برای مورخ مأخذ مفیدی است. البته غالب این یادداشتها خاصه در مواردی که نویسنده به بیان شرح حالات خویش پرداخته است حکم ادعای صرف دارد و مندرجات آنها را بدون بینه کافی نمی‌توان پذیرفت. با اینهمه از مطالعه این یادداشتها نه فقط مواضع مبهم و تاریک

حوادث و بعضی اسباب و معدت نفسانی آنها روشن می‌شود بلکه غالباً اطلاعات سودمندی درباب احوال اجتماعی و اداری قرون و ادوار گذشته نیز بدست می‌آید. از اینگونه یادداشتها درباب دوره قبل از مغول تقریباً چیزی در دست نیست و از ادوار بعد نیز تعداد زیادی از آنها بدست نمی‌آید. در استفاده از این یادداشتها شرط اول اطمینان از صحت صدور و انتساب آنهاست زیرا ممکن هست مغرضان کتابی بسازند و آن را به یکی از پادشاهان یا نام‌آوران دیگر منسوب بدارند تا اذهان عامه رانسبت بدو مشوب دارند و یا اینکه او را در نزد عامه محبوب سازند چنانکه ملفوظات تیموری یا واقعات تیموری و همچنین ذیل آن موسوم به قزوکات تیمود که سرگذشت تیمور را از زبان خود او متضمن است و در واقع اجمالی است از احوال او از سن هفت سالگی تا پایان عمر، در حقیقت از تقریر یا انشاء آن جهانجوی قهار نیست و احتمال می‌رود که ابوطالب حسینی تربتی نام که مدعی است آن را از اصل ترکی به زبان فارسی نقل کرده است آن را ساخته باشد. گویند این کتاب بعدها، وقتی برشاه جهان امپراطور مغول هند عرضه شد در آن اشتباهات یافت و کسی را برگماشت تا آن را با ظفرنامه یزدی مقابله و تطبیق کند و این نسخه مهذب موسوم است به ملفوظات صاحبقرانی، و بهر حال پیدا است که صحت مندرجات آن در نزد اخلاف تیمور نیز مورد تردید بوده است. در واقع اصل ترکی کتاب که ابوطالب حسینی آن را اساس ترجمه خویش معرفی کرده است تاکنون بدست نیامده است. اما واقعات بابر معروف به تجارب الملوك ترجمه فارسی بابرنامه یا قزوکات بابری است که اصل جغتائی آن نیز باقی است. این کتاب هرچند شرح حال ظهیرالدین بابر مؤسس سلسله تیموریان هندست لیکن محتوی اطلاعات بسیار سودمندی درباب اواخر عهد تیموری نیز هست و از این حیث مرجع خوبی برای تاریخ ایران است. چنانکه احوال خراسان را در این روزگار و اوضاع اجتماعی مقارن استیلاء دولت قزلباش صفویه را زین‌الدین محمود واصفی در یادداشتهای خود موسوم به بدایع الوقایع بشرح بیان نموده است و از آن کتاب می‌توان معلومات مفید درباب احوال اجتماعی آن عصر بدست آورد. کتاب بدایع الوقایع در مسکو جزو انتشارات فرهنگستان علوم اتحاد شوروی بطبع رسیده است. نیز از اینگونه یادداشتها تذکره شاه طهماسب است که عبارتست از شرح احوال و وقایع سلطنت دومین پادشاه صفوی به قلم خود. او و از این کتاب نکته‌های جالبی درباب احوال

نفسانی این پادشاه و معاصران و معاشران او بدست می‌آید. ۱۲۴ تحریر دیگری از اصل این کتاب نیز در دست است بنام بیاض مکالمه شاه طهماسب با ایلچیان که عبارتست از مخاطبات شاه طهماسب اول با سفراء عثمانی که از جانب سلطان سلیمان اول عثمانی جهت مطالبه شاهزاده بایزید به دربار سلطان صفوی آمده بودند دیگر تذکره حزین یا قادیخ حزین است تألیف شیخ محمد علی حزین لاهیجی (متوفی ۱۱۸۰ ه.ق) که وقایع راجع به اواخر ایام صفویه را در آن با بیانی روشن شرح داده است و مخصوصاً برای درک مصایب عهد استیلای افغانه مأخذ جالبی است. نیز از همین مقوله است رساله بیان واقع یا نادرنامه اثر خواجه عبدالکریم کشمیری، که عبارتست از خاطرات و تاحدی سفرنامه مؤلف. این خواجه عبدالکریم به سال ۱۱۵۱ در دهلی به خدمت نادرشاه پیوست و در مراجعت تا قزوین با او همراه شد. از آنجا به مکه رفت و باز به دهلی مراجعت نمود (۱۱۵۶) و در این کتاب گذشته از خاطرات سفر خود معلومات مفیدی در باب مسافرت نادرشاه به هند و بازگشت او و احوال هند بعد از او بیان می‌کند که برای تاریخ آن روزگاران در هند و در ایران، فایده بسیار دارد. وی گذشته از این «تذکره» جریان وقایع ظهور نادر و احوال سلطنت او را نیز بنام وقایع ایران و هند با ذیلی در باب وقایع بعد تألیف کرده است که برای تاریخ این دوره اهمیت دارد. دیگر روزنامه میرزا محمد کلانتر فارس و بعبارت دیگر شرح حال مؤلف به قلم خود او است که وقایع فارس و بلاد جنوب را از استیلاء افغانه تا اواخر زندیه نوشته است. مؤلف از خاندانهای معروف شیراز و خود کلانتر فارس بوده است و از اوضاع و احوال آنجا اطلاعات درست داشته است. کتاب به اسلوبی ساده و عاری از تکلف نوشته شده و چون مؤلف از سواد و ادب هم بهره زیادی نداشته است آثار بی تکلفی از سراسر کتاب مشهودست. هرچند وی در طعن و شتم مخالفان افراط کرده لیکن بسبب لحن و شیوه خاصی که در بیان وقایع دارد مرجع مفیدی در تاریخ این ادوار است. دیگر مجمع التوادیح میرزا محمد خلیل مرعشی است در تاریخ انقراض صفویه و وقایع تاریخ اعقاب افشاریه و صفویه. این کتاب هرچند صورت تاریخ دارد لیکن چون مشتمل بر گزارش احوال خانواده مؤلف و بیان وقایعی است که غالباً به چشم دیده است در واقع جزو یادداشتها و تذکره‌های شخصی بشمار می‌آید. دیگر تفصیلاتی است که آذر بیگلدلی تحت عنوان احوال معاصرین در تذکره آتشکده خویش

نوشته است و متضمن مجملی سودمند درباب این دوره از تاریخ ایران است. چند کتاب دیگر از همین مقوله در وقایع بعد از نادر و قبل از ظهور قاجاریه هست مثل وقایع السنین خاتون آبادی و یادداشتهای ذیل آن و تذکره آل داود و امثال آنها که نسخ خطی آنها در کتابخانه ها هست ولیکن چون هنوز چاپ نشده است از ذکر آنها درین مقام صرف نظر می توان کرد. رساله ناتمام شمایل خاقان بقلم قائم مقام فراهانی و رساله مجدییه تألیف مجدالملک سینکی نیز از همین مقوله یادداشتهای شخصی است با این تفاوت که از آنها بسبب استغراق اولی در مبالغات و تملقات و احتواء دومی بر کنایات و تعریضات چندان فایده یی نمی توان بدست آورد. دیگر خوابنامه اعتمادالسلطنه است و یادداشتهای اعتمادالسلطنه که هر دو متضمن اطلاعات بسیار گرانبها درباب تاریخ سلطنت ناصرالدین شاه و احوال رجال و اوضاع در بار آن زمان ایران است و در تحقیق تاریخ آن دوره اهمیت فراوان دارد. نیز از همین مقوله است قادیخ نو، اثر یعقوب خان انجدانی از صاحب منصبان قشون در عهد عباس میرزا و محمدشاه. کتاب عبارت از یادداشتهای شخصی اوست و خلاصه یی از آن در اراک به اهتمام ابراهیم دهگان چاپ شده است. درباب احوال بعضی از رجال آن عهد و مخصوصاً راجع به جنگ ایران و عثمانی (۱۲۳۷) در آن دوره و سالهای بعد از آن می توان از این کتاب فوایدی بدست آورد. دیگر کتابی است به نام قادیخ عضدی تألیف شاهزاده احمد میرزا عضدالدوله پسر فتحعلی شاه قاجار که یادداشتهایی بسیار جالب است در شرح حالات زنان و دختران و پسران فتحعلی شاه و بسیاری از اوضاع و جریانات اندرون معروف این پادشاه قاجار را نشان می دهد. دیگر شرح وقایع بعد از فوت فتحعلی شاه است تألیف رضاقلی میرزا پسر حسینعلی میرزا فرمانفرما که احوال و وقایع قیام پدر و عم خود را در فارس بیان داشته است. دیگر کتابی است به نام شرح حال عباس میرزا ملک آرا که در واقع تاریخچه زندگی این شاهزاده معروف قاجار و بیان شمه یی از اوضاع عصر ناصری است. مؤلف برادر ناصرالدین شاه بوده و بسبب حسد و نفرتی که شاه و مادرش در حق وی داشته اند در قسمت عمده یی از سلطنت ناصرالدین شاه وی به حال تبعید و حبس نظر و غالباً در فقر و فاقه و ترس و ناایمنی می زیسته است. عباس میرزا ملک آرا درین رساله با بیانی انتقادآمیز حوادث عصر سلطنت برادر را شرح داده و این کتاب برای فهم جنبه های ضعیف سلطنت ناصرالدین شاه و نارضاییها و

آشفتگیهای امور در آن زمان مأخذی مهم است. رساله معروف به تاریخ الدخانیه به قلم شیخ حسن کربلائی نیز یادداشتها و خاطرات مؤلف است در باب واقعه تنباکو و چون مؤلف از حواشی و نزدیکیان میرزای شیرازی بوده است و درین واقعه دست اندر کار بوده است کتاب او حاوی اطلاعات مفیدست. چنانکه کتابچه خانلر میرزا احتشام الدوله در باب جنگ ایران و انگلیس در بحمره (۱۲۷۳) محتوی اطلاعات سودمند در باب وضع نظام و احوال اداری دولت ایران است در آن زمان. خلاصه‌یی ازین کتابچه را احمد کسروی همراه با دو مقاله دیگر تحت عنوان چند تاریخچه منتشر کرده است. دیگر رساله‌یی است بنام تاریخ مختصر صحیح بی ددوغ یا تاریخ بی ددوغ بقلم علی خان ظهیرالدوله ملقب به صفا یا صفا علی شاه که مختصری است در وقایع کشته شدن ناصرالدین شاه و احوال قاتل او و جلوس مظفرالدین شاه. مؤلف از خاندان قاجار و داماد ناصرالدین شاه بوده و در دربار وی نیز عنوان ایشیک آقاسی باشی داشته است و ازین حیث کتاب او اهمیتی تمام دارد.^{۱۲۰} چنانکه یادداشت‌های منسوب به امین الدوله هم درین باب محتوی اطلاعات سودمندست. در دوره مشروطیت تألیف و تدوین خاطرات و یادداشت‌های شخصی بیشتر تداول یافته است و اینگونه کتابها درین مأخذ تاریخ مشروطیت اهمیت تمام دارد. از آنجمله غیر از شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه تألیف عبدالله مستوفی و یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه تألیف دوستعلی خان معیرالممالک، می توان از یادداشت‌های سپهسالار اعظم محمد ولیخان تنکابنی در ذیل شرح زندگی او و تاریخ محمدباقر و یجویه‌یی در حوادث انقلاب تبریز و تاریخ بیداری ایرانیان تألیف ناظم الاسلام کرمانی و تاریخ مشروطیت احمد کسروی و حیات یحیی تألیف حاجی میرزا یحیی دولت‌آبادی و تاریخ احزاب سیاسی یا انقراض قاجاریه تألیف ملک الشعراء بهار و خاطرات و خطرات مخبرالسلطنه و یادداشت‌های ناصرالملک و سرگذشت شیخ ابراهیم زنجانی، که هر دو خطی است و کتاب ستادخان حاجی اسمعیل امیرخیزی و یادداشت‌های متعدد دیگر که بعضی از آنها هنوز چاپ نشده است نیز نام برد.

نوع دیگر از مأخذ که مخصوصاً از جهت تحقیق در احوال اجتماعی مهم و مفیدست

کتابهای سیر صوفیه و متون ادبی است که در آنها گاه نیز مطالب سودمند راجع به احوال پادشاهان و نام آوران گذشته آمده است. دربب احوال عامه و طرز معیشت و انواع تفریحات آنها ازینگونه کتابها اطلاعات خوب بدست می آید. فی المثل از امرالالتوحید راجع به خانقاههای صوفیه و کیفیت مجلس گفتن مشایخ و طرز اقامه مجالس سماع و حتی احوال بازارها و چهارسوهای شهرها نکته هایی بدست می آید^{۱۲۶} و از مقامات ژنده پیل نیز نکته هایی از همین مقوله مستفاد می شود. چنانکه از یک جا بر می آید که در سرحد غور و غزنین در زمان شیخ جام از عابران جواز می طلبیده اند و از جای دیگر آن بر می آید که در عهد سلطان سنجر امراء اسماعیلیه طبرس هم از ولایات مجاور بتعدی و استخفاف باج می گرفته اند.^{۱۲۷} نظایر این نکات از سیره ابو عبدالله خفیف و از فردوس المرشدیه نیز مستفاد می شود و اینگونه کتابها در فهم احوال عامه بسیار مفیدند.^{۱۲۸} در اینگونه کتابها غالباً قریحه قصه پردازی و یا شوق عبرت اندوزی سایه بی از مبالغه و مسامحه برواقع و حقیقت افکنده است و بسا که در اصل روایتی یا دربب قهرمانان آن غلط و اشتباه یا لا اقل مبالغه و اغراق روی داده است. البته در استفاده ازینگونه ماخذ باید کمال دقت و احتیاط را مرعی داشت. مع هذا اطلاعاتی که ازین ماخذ بدست می آید اوضاع و احوال اجتماعی و طرز زندگی و آداب و رسوم رایج درین مردم را بمراتب روشنتر و گویاتر از آنچه در کتابهای تاریخ آمده است بیان می دارد ازین رو مراجعه به این کتابها برای مورخ ضرورت بسیار دارد. بعلاوه، درین کتابها غالباً دربب عادات و آداب افراد و طبقات مختلف سخن می رود و حکایات و روایات اهل هر پیشه و هر طبقه ذکر می شود و ازین جهت این ماخذ در واقع غنیتترین و وسیعترین منابع معلومات هر مورخ خواهد بود. اما شرطش آن است که با احتیاط تمام و با کسب یقین از صحت و اتقان مطالب و بعد از مقابله و مطابقه معلومات حاصل از آنها با شواهد و مدارك مسلم تاریخی از آنها استفاده کند تا مایه گمراهی و خطا نشود. ذکر فهرست تمام اینگونه کتابها در این صحایف البته ممکن نیست لیکن مورخ در تاریخ هر عصر و دوره بی می تواند از مطالعه کتب ادب آن دوره و حتی گاه از مطالعه کتبی نظیر کیمیای سعادت غزالی و کتاب النقص عبدالجلیل قزوینی اطلاعات مفید جهت روشنگری نکات تاریک آن عصر بیابد. لیکن بعضی کتابها هست که مخصوصاً در آنها نظر به جمع حکایات و روایات راجع به سلاطین و وزراء

و رجال و مشاهیر بوده است و البته مراجعه بدانها دست کم این فایده را دارد که نشان می‌دهد آن سلاطین یا وزراء یا رجال در اذهان معاصران یا اخلاف چگونه تصویر می‌شده‌اند و به چه عنوانی شهرت داشته‌اند.

در بین اینگونه مأخذ از کتابهای فارسی دو کتاب مشهور قابوسنامه و سیاست‌نامه در درجه اول اهمیت قرار دارند که ذکر روایات راجع به پادشاهان گذشته در آنها با چاشنی حکمت و عبرت همراه است. کتاب قابوسنامه گنجینه‌ی بی‌است از اطلاعات سودمند در باب احوال اجتماعی و وضع زندگی طبقات مختلف مردم در عهد تألیف کتاب. سیاست‌نامه بی‌شک مأخذی معتبرست برای تحقیق در احوال اداری اوایل عهد سلاجقه و متضمن بیان وظایف طبقات مختلف دبیران و عمال و لشکریان در آن دوره است. کتاب را مؤلف چنانکه از مقدمه برمی‌آید برای سلطان ملک‌شاه تألیف کرده و در بین چند کتابی که رجال مختلف درین باب جهت سلطان نوشته بوده‌اند، سیاست‌نامه مورد توجه خاص پادشاه واقع شده است. لحن مؤلف در فصول راجع به اسماعیلیه تند و گزنده و در بعضی موارد مغرضانه است. با اینهمه، ذکر آن سخنان تندگستاخ بی‌شک حکایت از خصومتی شدید با اسماعیلیه می‌کند که عاقبت خواجه را قربانی کرد. بعضی ازین مطالب راجع به اسماعیلیه و سایر فرق ظاهراً اصلی ندارد. مع ذلک در صحت انتساب کتاب به خواجه جای تردید نیست و قرائن دیگر نیز آن را تأیید می‌کند.^{۱۲۹} در هر حال این کتاب با وجود احتواء بر اطلاعات تاریخی زیاد از مسامحات فراوان مشحون شده است. چنانکه کتاب مشهور چهارمقاله نیز بسبب آنکه مصنف در تدوین آن بیشتر به ترویج صناعت‌های خویش که دبیری و شاعری و نجوم و طب است نظر داشته‌است و می‌خواسته است حاجت سلاطین و امراء عصر را به کسانی که مانند خود او اهل این صناعتها بوده‌اند اثبات نماید با وجود اشتمال بر حکایات تاریخی بسیار از مسامحات و مبالغات خالی نمانده و اهل تحقیق را بر روایات تاریخی آن اعتماد نیست. با اینهمه از جهت تحقیق در احوال اجتماعی آن ایام فواید بسیار از آن بدست می‌آید. و همچنین کتابی مانند فرج‌بعدالشدۀ نیز با وجود اشتمال بر روایات تاریخی، بسبب آنکه مؤلف تقید به بیان سرگذشت قهرمانانی داشته است که با وجود ابتلاء به محنت و شدت عاقبت براحت و گشایش نایل شده‌اند طبعاً برای خواننده این دغدغه پیش می‌آید که شاید مؤلف در نقل حکایات تاریخی نیز برای تأمین

این مقصود تصرفی کرده باشد و از این رو بر آن روایات اعتماد کلی نیست. از بین کتابهای دیگر که نیز مشتمل بر حکایات تاریخی است یکی جوامع الحکایات ولوامع الروایات است تألیف محمد عوفی که در اوایل قرن هفتم هجری مؤلف از تحریر آن فراغت یافته است و شامل حکایات و روایات مهم و تاحدی بشیوه کتب مشهور ادب عربی مانند العقد الفرید ابن عبدربه والکامل مبرد و امثال آنهاست. دیگر کتاب آداب الحرب والشجاعه است تصنیف محمد بن منصور مبارکشاه که در نیمه اول قرن هفتم تألیف یافته است و مخصوصاً دربب فنون جنگ و استعمال سلاح و تعبیه صفوف و شبیخون و جنگ و حصار و امثال این مسایل متضمن اطلاعات مفیدست. دیگر لطائف الطوائف است تألیف علی بن حسین واعظ کاشفی که مشحون از روایات لطیف و بدیع است. دیگر تاریخ نگارستان است تألیف قاضی احمد بن محمد بن عبدالغفور غفاری قزوینی (متوفی ۹۷۵) که مشتمل است بر حکایات و نوادر تاریخ و رجال و مخصوصاً روایاتی درباره مغول و آل جلایر و تیموریان در آن هست که مفید و جالب به نظر می آید. دیگر کتابی است بنام زینة المجالس تألیف مجدالدین محمد الحسینی متخلص به مجدی که در عهد سلطنت شاه عباس کبیر اتمام پذیرفته است و در واقع اقتباس و تقلیدست از جوامع الحکایات عوفی و نگارستان قاضی احمد و مشتمل است بر بعضی حکایات مفید. دیگر کتابی است بنام بحیره تألیف ملا میر محمود (یا محمد) قزوینی استرآبادی که نیز در عهد صفویه نگارش یافته است و شامل روایات تاریخی است. دیگر شاهد صادق است تألیف میرزا صادق اصفهانی متخلص به صادقی و مشهور به مینا که واقعه نویس مجلس شاه جهان بوده است و در عهد صفویه می زیسته است. شاهد صادق گذشته از اشتمال بر نوادر و روایات جالب که در تدوین تاریخ مورد حاجت و رجوع هر مورخ است متضمن فصلی است مختصر و به اسلوب سالنامه که حوادث مهم تاریخ اسلام را از آغاز تا عهد مؤلف باختصار در ذیل هر سال ضبط و بیان کرده است و این فصل اخیر را بسبب فوایدی که دارد مرحوم عباس اقبال در مجله یادگار نقل کرده است. دیگر نوادر ملا محمد صالح قزوینی است که مخصوصاً دربب احوال طبقات عامه در اصفهان نکات مفید دارد. ۱۳۰ دیگر کتابی است بنام مفرح القلوب تألیف محمد ندیم بن محمد کاظم که گذشته از حکایات اخلاقی شامل مطالبی دربب اوایل عهد قاجاریه نیز هست. مؤلف، کتابدار و ندیم فتحعلی شاه

قاجار بوده است و در سال ۱۲۴۱ ق. وفات یافته است.

از جمله مآخذ تاریخ ایران در ردیف کتابهای ادب باید از منظومه‌های تاریخی نیز در اینجا یاد کرد. این منظومه‌ها البته بسبب غلبه صبغه شاعری بر آنها برای مورخ چندان مآخذ موثقی نمی‌توانند بود. لیکن در آنها گاه نکاتی هست که در مآخذ دیگر نیست و از این جهت مورخ نمی‌تواند از مراجعه به آنها غافل بماند. از بین این گونه منظومه‌ها یکی دفتر دلگشا است، که منظومه‌یی است به بحر متقارب در باب نسب و تاریخ ملوک شبانکاره، که شاعری بانام یا تخلص «صاحب» نظم کرده و آن را در سنه ۷۲۰ هجری به اتمام آورده است. جنبه شاعری منظومه ضعیف است اما در باب تاریخ ملوک شبانکاره از آن می‌توان اطلاعاتی بدست آورد. نسخه‌یی از این کتاب در ضمن فهرست کتابهای خطی شرقی کتابخانه فرهنگستان علوم جمهوری تاجیکستان هست که در فهرست آن کتابخانه (۱۳۸ - ۱۳۷) ذکر شده است. ۱۳۱ دیگر ظفرنامه است از حمدالله مستوفی که حوادث تاریخ اسلام را تا سنه ۷۳۴ به نظم آورده است؛ همچنین شهنشاهنامه اثر احمد تبریزی است که تاریخ چنگیزخان و اخلاف او را به امر سلطان ابوسعید به نظم آورده و حوادث این دوره را در مدت هشت سال بسطک نظم کشیده است. ۱۳۲ دیگر غازان‌نامه است اثر خواجه نورالدین بن شمس‌الدین تبریزی که آن را در سال ۷۵۸ ه. ق. در تاریخ سلطنت غازان نظم کرده است. دیگر ده‌نامه شاه‌شجاع است در حوادث اختلافات او با برادرش شاه محمود که پرفسور آربری در جشن‌نامه تقی‌زاده موسوم به دان‌ملخ آن را معرفی کرده است. دیگر ظفرنامه تیمودی است اثر هاتفی خرجردی که راجع به فتوحات تیمور و بتقلید اسکندرنامه نظامی است و آن را تیمودنامه هاتفی و تمیرنامه هم خوانده‌اند. هاتفی به خواهش شاه اسمعیل صفوی نیز فتوحات آن پادشاه صفوی را نظم کرده و آن کتاب به شاهنامه هاتفی یا اسمعیل‌نامه مشهور شده است لیکن ناتمام مانده و شاعر قبل از اتمام آن وفات یافته است. دیگر دو جلد شاهنامه است یکی به نام شاهنامه ماضی یا شاهنامه اسمعیل و دیگر موسوم به شاهنامه نواب‌اعلی یا شاهنامه شاه‌طهماسب، هر دو اثر میرزا محمد قاسم قاسمی گنابادی (متوفی ۹۷۹) که اولی در تاریخ وقایع شاه اسمعیل صفوی و دومی راجع به پسرش

شاه طهماسب صفوی است. نیز قاسمی منظومه‌یی دارد در تاریخ شاهرخ تیموری که مشهور است به شاهرخ‌نامه و آن را به نام شاه طهماسب اتحاف نموده است دیگر شاهنامه کمالی سبزواری است در تاریخ شاه‌عباس کبیر همچنین جرون‌نامه و جنگنامه قشم است در بیان وقایع جنگ امام‌قلی‌خان بیگلریگی فارس با پرتغالیها بر سر جزیره قشم و هرمز که مشحون است از لحنی حماسی و نیز منظومه‌یی در تاریخ صفویه به نام شاهنشاهنامه در دست است. چنانکه شاعری بنام محمد علی طوسی و مشهور به فردوسی ثانی که از ملازمان رکاب نادرشاه بوده است منظومه‌یی به نام شاهنامه نادری در تاریخ جنگهای آن پادشاه نظم کرده که بوسیله انجمن آثار ملی چاپ شده است و همچنین شاهنامه نادری است اثر شاعری از اهل هند به نام نظام‌الدین عشرت که خود معاصر نادرشاه بوده است و فتح هند و سوانح حیات نادر را تامرگ او در این مثنوی آورده است. دیگر منظومه‌ایست از شهاب ترشیزی در وقایع علی‌مرادخان زند که ظاهراً ناتمام مانده است. آخرین و مشهورترین اینگونه منظومه‌ها شهنشاهنامه است اثر فتحعلی‌خان صبای کاشانی که عبارتست از تاریخ ظهور سلطنت آقا محمدخان و فتحعلی‌شاه قاجار. سراینده که خود ملک‌الشعراء دربار فتحعلی‌شاه و از ندیمان و خاصان او بوده است با مبالغات شاعرانه تاریخ حوادث ممدوح خویش را نظم کرده و این نکته هم از اعتبار تاریخی کتاب کاسته و هم به ارزش ادبی آن چیزی نیفزوده است. گوینده با آنکه ممدوح و قهرمان کتاب خود را «جهاندار فتح‌علی‌شاه ترك» و مرگ عم او آقامحمد خان را بعبارت «بخاك اندر افتاد افراسیاب» تعبیر کرده است، بتقلید از فردوسی اخبار و روایات خود را «گزارش ز دهقان بسیاردان» فرانموده است. ۱۲۳

ماخذی از مقوله اسناد رسمی و تواریخ محلی و کتب تراجم و وفیات و مزارات و کتب مسالك و جغرافیا و یادداشتهای شخصی و متون ادبی فایده عمده‌یی که دارند اشتمال آنهاست بر مطالب و مواد مختلف راجع به تاریخ احوال مدنی و شؤون اجتماعی و تربیتی، و در واقع به کمک اینگونه کتب و همچنین کتابهای راجع به فروع فقه و ملل و نحل و عقاید و مذاهب و بعضی کتب مفرد مستقل دیگر

است که امروز می‌توان تا حدی از حیات اجتماعی و شؤون مدنی گذشته تصویری ترسیم نمود.

در حقیقت بحث در مآخذ تاریخ عمومی ایران بدون بحث و فحص در مواد و منابع راجع به سیر تمدن و فرهنگ آن تمام نیست و البته هر یک از شؤون مدنی و احوال اجتماعی خود درخور بحثی مفرد و مستقل است که باید منابع مختلف تحقیق در آن باب را جداگانه بررسی کرد ولیکن مورخی که در تاریخ ایران بعد از اسلام نظر عام و کلی دارد ناچار از جست‌وجو در مآخذ مختلف بی‌نیاز نیست و بهمین جهت نظری به مآخذ علم تاریخ تمدن و فرهنگ ایران عهد اسلام درین مقام خالی از فایده‌تی نیست.

تحقیق در احوال جامعه اسلامی ایران که گذشته از احکام و سنن رایج قاهر اسلامی هم بقایایی از موارث و سنن قبل از اسلام را حفظ کرده بود و هم از تأثیر عوامل و مقتضیات متجدد مستمر بر کنار نمی‌ماند و در هر دوره‌یی از برخی عوامل و اسباب تازه دیگر متأثر می‌شد، چنانکه گفته شد، محتاج آنست که در باب هر یک از ادوار مهم آن تحقیقات جداگانه و با توجه به مقتضیات و مقارنات تازه صورت بگیرد ولیکن جامعه ایرانی درین ادوار، مخصوصاً در ادوار قبل از صفویه، در حقیقت جزئی یا قسمتی از صورت کلی جامعه اسلامی بوده است و بهر حال در غالب شؤون با سایر اجزاء جامعه مسلمین ارتباط داشته است. مع هذا در باب همین صورت کلی جامعه اسلامی و سیر و تحول شؤون مختلف آن نیز هنوز در مآخذ بقدر کافی تتبع نشده است و باز غالب جزئیات مسائل راجع به تمدن و فرهنگ اسلامی محتاج بحث و تحقیق است و ازین رو کتابهای جامعی هم که درین باب تألیف شده است مثل کتاب بالنسبه کهنه قاریخ تمدن اسلام تألیف فن کرمر (Von Kremer) و قاریخ التمدن الاسلامی تألیف جرجی زیدان و دوره کتابهای فجر الاسلام و ضحی الاسلام و ظهیر الاسلام احمد امین و کتاب نسبه تازه بنای اجتماعی اسلام تألیف روبن لوی (R. Levy) و حتی کتاب مدققانه لوئی گارده (L. Gardet) موسوم به جامعه مسلمان و کتاب گروه باوم (Crunebaum) موسوم به اسلام قرون وسطی هنوز نه از حیث جزئیات مبتنی بر استقصای تمام مواد هستند و نه از جهت نتایج کلی مشتمل بر ملاحظات درست دقیق علمی به نظر می‌آیند. با اینهمه، مطالعه آنها

در فهم احوال شؤون مدنی ایران، مخصوصاً در ادوار قبل از صفویه و بعبارت دقیقتر در ادوار قبل از مغول، مفیدست.

در هر صورت، تحقیق در احوال اداری و مالی جامعه ایرانی، در دوره‌یی از تاریخ که باوجود نوعی از استقلال ظاهری از جهت تمدن و فرهنگ بهرحال جزئی از جامعه مسلمان بشمار می‌آید، مبتنی بر معلوماتی است که در درجه اول از کتب شرایع و فروع فقه بدست می‌آید. زیرا در جامعه اسلامی احوال اقتصادی و اداری مثل همه شؤون اجتماعی دیگر تحت تأثیر اصول و قواعد مقرر شرع بوده است. بنابراین، کتب فقهی از مراجع عمده‌ایست که مورخ در مطالعه اصول قوانین مالی و مبانی احوال اقتصادی جامعه اسلامی از مراجعه بدانها اطلاعات مفید بدست تواند آورد. نهایت آنکه در استفاده از آن‌گونه کتابها باید توجه داشت که احکام و فتاوی شرعی بهرحال از تأثیر و نفوذ عرف و عادت نیز برکنار نمانده است و در بعضی موارد هم بین آنچه حکم فقهاست با آنچه ملاک عمل بوده است تفاوت کلی وجود داشته است.

احوال اداری این جامعه اسلامی، مخصوصاً در دوره قبل از صفویه، در ترتیب دیوان خلاصه می‌شود. از عهد صفویه و بعد از آن ترتیب دیوان تاحدی تفاوت یافته است ولیکن تاریخ احوال اداری ایران در واقع روی هم رفته عبارت است از تاریخ دیوان. در باب دیوان غیر از تواریخ عام و تواریخ راجع به خلفا، از فتوح البلدان بلاذری و کتاب الخراج ابویوسف و ادب‌الکتاب صولی و خطط مقریزی معلومات مفید بدست می‌آید و در باب کیفیت نقل دیوان به عربی در عهد اموی کتاب صولی و کتاب الفهرست مواد مهم دارد. راجع به احوال دیوان در اوایل دوره عباسی که مخصوصاً تأثیر مجدد سنن اداری ایرانی در آن محسوس است غیر از کتب مذکور در فوق از کتابهایی مانند بغداد ابن طیفور و کتاب الوزراء جهشیاری و مفاتیح خوارزمی هم اطلاعات پراکنده بدست می‌آید و وضع دیوان را در عهد غزنویه و سلاجقه از کتبی مثل تاریخ گردیزی و همچنین سیاست‌نامه و التوسل الی التوسل و عتبة‌الکتاب می‌توان تحقیق کرد. چنانکه از جهانگشای جوینی و تاریخ و صاف و تاریخ مبارک

غازانی و مقدمه ابن خلدون و دستورالکاتب شمس منشی و التعریف بالمصطلح الشریف تألیف عماری و صبح الاعشی تألیف قلقشندی و اکبرنامه و آئین اکبری نیز می توان احوال دیوان را در دوره مغول و بعد از آن تاحدی روشن نمود. همچنین از مطالعه و مقایسه فرمانها و منشورها نیز می توان اطلاعاتی درباب احوال و مراتب اداری و مشاغل و مناصب هریک از اهل دیوان بدست آورد و این کاریست که هربرت بوسه (H. Busset) در کتاب تحقیقات دد امود دیوانی اسلامی انجام داده است. در باب دوره صفویه غیر از کتبی امثال عالم آرای عباسی که مخصوصاً متضمن اطلاعاتی سودمندست کتاب تذکرة الملوك مأخذ معتبرست و برای دوره های بعد می توان معلومات حاصل از تذکرة الملوك را تا حدی با کتابهایی نظیر بحر الجواهر شهشاهانی و فردغستان میرزا مهدی فروغ و امثال آنها تکمیل کرد.^{۱۳۴}

احوال مالیات و خراج در اوایل عهد اسلام تاحدی دنباله احوال و اوضاع اواخر عهد ساسانی بوده است. ترتیب جبايت ضرایب و جزیه و وضع بیت المال و تقسیم عطا چنانکه در این ادوار متداول بوده است همراه با سنن و رسوم و بقایای دیوانی پیش و کم در ادوار بعد نیز محفوظ مانده است. از مأخذ سودمند قدیم درین باب، غیر از کتب تاریخ که جداگانه از آن سخن رفت، می توان کتاب الخراج ابویوسف و کتاب الاموال ابو عبید قاسم بن سلام و کتاب خراج قدامه و کتاب الاحکام السلطانیة ماوردی را نام برد. ابویوسف صاحب کتاب الخراج شاگرد ابوحنیفه بوده است و به سال ۱۸۲ ه. ق. در گذشته است. کتاب او در استنباط احوال اداره و امر خراج و ضرایب در اوایل عهد عباسی مفیدست. ابو عبید مؤلف کتاب الاموال نیز در فقه و حدیث و قرآن دست داشته و از کتاب او درباب دوره مقارن ظهور طاهریان، بعضی نکات کلی می توان بدست آورد. کتاب الخراج قدامه نیز درین باب از مأخذ معتبر است. این قدامه بن جعفر ظاهراً کتابی مفصل داشته است مشتمل بر تمام آنچه دیران و منشیان به دانستن آن محتاج بوده اند و کتاب خراج و همچنین نقدالنثر او ظاهراً اجزائی از آن کتاب مفقود بوده است که گویا بعضی اجزاء دیگر نیز از آن بدست آمده است.^{۱۳۵} الاحکام السلطانیة ماوردی در بیان سیاست دینی و شرعی است. مؤلف از قضاة و ائمة شافعی بوده است و در نیمه قرن

پنجم وفات یافته است. احكام السلطانيه ابى يعلى حنبلى هم كه نيز معاصر ماوردى بوده است درين ابواب ماخذى مفيد است. در بعضى كتابهاى ديگر نيز جاى جاى بعضى اطلاعات درين باب بدست مى آيد. چنانكه از تاريخ قم و فارسنامه ابن بلخى احوال خراج در قم و فارس تا حدى معلوم مى شود و از بعضى مواضع تاريخ بخارا و تاريخ بيهقى اطلاعات مفيد راجع به اوضاع ماليه عهد سامانى و غزنوى بدست مى آيد. همچنين از تاريخ و صاف و جامع التواريخ رشيدالدين فضل الله راجع به احوال ماليه در عهد مغول معلومات مفيد حاصل مى شود و در مياست نامه خواجه نظام الملوك در باب خزانه نگهداشتن و ترتيب آن بعضى قواعد و آداب جالب بيان شده است. رساله مختصرى نيز از خواجه نصيرالدين طوسى باقى است در باب تدبير لشكر و مواضع دخل و خرج و احوال خراج و كسانيكه از خراج بايد معاف باشند كه از آن باوجود ايجاز فوايد بسيار بدست مى آيد. اين رساله را پروفيسور مينورسكى به كمك آقاى مجتبى مينوى در مجله مدسه مطالعات شرقى و افريقائى منتشر کرده است. رساله عرض نامه جلال الدين دوانى كه هم به اهتمام مينورسكى در همان مجله و هم بعدها در ايران چاپ شده است نيز متضمن فوايد مختلف است. از رساله فلكيه عبدالله بن محمد بن كياالمازندرانى كه در حدود سنه ۸۶۵ تاليف شده است و نيز از مجموعه فكته (Fekete) كه هر دو راجع به سياق است نيز مى توان معلومات مفيد درين ابواب حاصل كرد. چنانكه رساله عبدالحي حسيني در باب كيفيت قباله نويسى و مكاتبات مفيد است. كتاب سودمند ديگرى كه نيز به اهتمام مينورسكى انتشار یافته است و مخصوصاً از اين لحاظ حائز اهميت بسيار به نظر مى رسد كتاب تذكرة الملوك است كه در پايان عهد صفويه و جهت افاغنه تحرير شده است و در باب ترتيب ماليات و تشكيلات ادارى عهد صفويه فايده بسيار از آن بدست مى آيد و مراجعه به سالنامه هاى اعتماد السلطنه و كتابچه هاى جمع و خرج متعلق به عهد قاجار نيز كه در كتابخانه دانشكده حقوق و كتابخانه دارائى و حتى در تملك اشخاص هست براى توجه به احوال ماليات در عهد قاجار مفيد است.

درباره مالكيه و احوال رعيه چنانكه نيز درباره تجارت و احوال بازرگانان و پيشه وران و مقررات و ترتيبات متداول در نزد اين طبقات - غير از كتب راجع به

فقه که قواعد مزارعه و مضاربه و شروط کسب و تجارت و وقف و حبس و مسائل مربوط به زراعت و تجارت و رابطه بین مالک و رعیت و بایع و مشتری را روشن می‌کند^{۱۳۶} از کتب اخلاق و ادب مثل قابوسنامه امیر کیکاوس و نصیحة الملوك امام غزالی و اخلاق ناصری و مرصاد العباد و میاست‌نامه و امثال آنها نیز می‌توان اطلاعات مفید بدست آورد. چنانکه از اسناد و منشآت مثل عتبة الکتبه و التوسل الی التوسل و مکاتیب دشیدی و همچنین تواریخ محلی و کتب مسالک و جغرافیا نیز درین ابواب می‌توان استفاده کرد و راجع به صنایع و فنون نیز غیر از همین‌گونه مآخذ که محتوی اشارات و اطلاعات هستند برخی رساله‌های مفرد باقی است که بعضی از صنایع و فنون متداول در قرون گذشته را نشان می‌دهد. از آنجمله است رساله مجموعه‌الصنایع و رساله کشف‌الصنایع حسینی که اولی محتوی بیان صنایع مختلف است در عهد صفویه و دومی در دوره قاجاریه تألیف شده است و در فهرس کتابخانه‌ها ازین‌گونه کتابها هست که رجوع بدانها برای فهم اصول صناعت در ادوار گذشته سودمندست. چنانکه در باب فلاح و تجارت هم بعضی کتابها ازین قبیل هست مثل کتاب‌الاجباد والآثار تألیف خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی که منتخباتی از آن را عبدالغفار نجم‌الدوله به‌ضمیمه اشدالزراعه فاضل هروی در طهران طبع سنگی کرده است و مثل کتاب عربی الاشارة الی معاصر التجارة ابوالفضل دمشقی که در اواخر قرن ششم تألیف شده و با معالم‌القربه ابن اخوه و کتب و رسالات راجع به مقایس و اوزان و مقادیر و نظایر آنها در شناخت احوال تجارت در قرون گذشته سودمندست کتب راجع به معادن و جواهر مثل قنوقنامه ایلخانی تصنیف خواجه نصیرالدین طوسی و جواهرنامه سلطانی تألیف محمد بن منصور را نیز در ردیف این‌گونه تألیفات می‌توان یاد کرد که از همه آنها می‌توان روی هم رفته احوال تجارت و صناعت و فلاح و حدود اطلاعات مردم گذشته را در این ابواب بدست آورد.^{۱۳۷}

در باب طبقات جامعه اسلامی، از خواص و عوام، کتب قصص و اخلاق و سیاحتنامه‌ها محتوی نکات مفیدست. احوال بعضی طبقات مثل عیاران و اهل فتوت و لوطیان گاه در بعضی کتابها بیشتر منعکس شده است چنانکه راجع به عیاران،

گذشته از آنچه در تواریخ راجع به آنها آمده است بعضی داستانها مثل حکایت سمک عیار و داستان دادا بنامه و اسکندرنامه قدیم و امثال آنها متضمن معلومات مهم است همچنین در باب جوانمردان یا اهل فتوت غیر از آنچه بمناسبت در تواریخ و کتب ادب آمده است از فتوت نامه ها که باقیست می توان استفاده کرد. احوال عوام از سوانی و عرب را در عهد عباسی مخصوصاً در کتابهایی مانند اغانی ابوالفرج و العقد الفرید ابن-عبدربه و البخله جاحظ و الاذکیاء ابن جوزی و کتابهایی نظیر آنها می توان یافت. چنانکه در ادوار بعد نیز نه فقط کتابهایی مانند جوامع الحکایات و زینة المجالس و زهر الربیع و جامع التمثیل درین باب محتوی نکات جالب است بلکه از کتب ادب و اخلاق و از دواوین مختلف نیز درین باره اطلاعات خوب بدست می آید. فی المثل از یک رساله در اخلاق و سیاست که ظاهراً ابراهیم سلطان پسر شاه رخ تیموری املاء کرده است اطلاعات مفید در احوال مردم شیراز و همچنین گزارش اطوار طلاب مدرسه و آداب هفت سین نوروز در آنجا بدست می آید و در رساله بی که مولانا اعجازهراتی در تعریف اصفهان نوشته است راجع به اصناف عوام و احوال محلات شهر و قهوه خانه ها نکات جالب هست. ۱۲۸ چنانکه دیوان شعرائی مثل رضوان و کاشف اصفهانی و خادم اصفهانی نیز معلومات بسیاری را در باب طبقات مختلف جامعه در عهد صفویه متضمن است و در بسیاری از دواوین شعراء دیگر نیز - که ذکر نام همه موجب اطناب خواهد بود - ازینگونه فواید هست. همچنین از عقاید نسوان آقا جمال خونساری و رساله روحی انارجانی و مجموعه اشعاریکه سخنوران در پاطوقها می خوانده اند و رساله اوصاف اجلاف و دندان که در قرن سیزدهم تحریر شده است می توان به بعضی از اوهام و خرافات رایج بین طبقات لوطیان و رندان پی برد. راجع به آداب و رسوم نیز البته از دواوین شعرا و شرح حال آنها و همچنین از امثال سایر کتب ادب و قصص و نیز از سفرنامه ها و یادداشت های شخصی و حتی منشآت استفاده بسیار می توان برد. در واقع راجع به بسیاری از امور عادی و رسمی آداب شرعی متداول و مقرر بوده است و کتب صوفیه و متشرعه مشحون است ازینگونه آداب. چنانکه راجع به آداب صحبت و آداب السفره و آداب مباشرت رساله ها و کتابها هست و وجود بعضی کتابها نیز دلالت بر رواج برخی عقاید و آداب در بعضی ادوار دارد. چنانکه وفور کتب زیارات و ادعیه و مرثیاتی در عهد صفویه و بعد از آن از رواج این امور در آن زمانه حاکی است و کتب راجع به انساب سادات حکایت از مزید اهمیت و نفوذ این طبقه در آن

ادوار دارد. کثرت رساله‌ها و جدول‌های متعدد در استخراج زایجه و طالع مشاهیر و شاهزادگان که هم‌اکنون باقی است و وجود کتب اختیارات از رسوخ اعتقاد به طالع و زایجه و سعد و نحس ساعات و ایام در طبقات مختلف حکایت می‌کند و وفور بازنامه‌ها و فرس‌نامه‌های مختلف از توجه به تربیت اسب و بازو و علاقه به شکار و ورزش خاصه در بعضی از اعصار معین حکایت می‌کند و همچنین وجود کتب طب شرعی مثل طب‌النبی و طب‌الائمة و طب‌الرضا و امثال آنها دلالت بر اعتقاد بعضی از عوام درین ادوار به نوعی خاص از معالجات دارد.

در باب احوال خانه و روابط بین افراد خانواده نیز مآخذ عمده در درجه اول کتب فقه و حدیث و اخلاق است چنانکه از کتب قصص و اسرار و حکایات مثل اغانی و العقد الفرید و جوامع‌الحکایات و نیز از کتب تواریخ و ادب و دواوین نیز در باب احوال خانواده و آداب راجع به ازدواج و تربیت اولاد وارث و امثال آن اطلاعات مفیدی می‌توان بدست آورد. راجع به اغذیه و اطعمه که در بین طبقات مختلف رواج داشته است گذشته ازینگونه مآخذ از کتابهایی نظیر البخلاء جاحظ و عیون‌الایجاد ابن قتیبه و کتاب‌الطبیخ شمس‌الدین محمد بغدادی و کتاب‌الطبایخه جمال‌الدین یوسف دمشقی و الفیه‌الطعام عامر الانبوطی و مناهل‌اللطف سیوطی و تذکره ابن حمدون که همه عربی است و کتابهایی مانند دیوان کنز‌الاشتهای بسحق اطعمه و ماده‌الحیوة نورالله طبایخ و نسخه‌شاه جهانی و مجموعه‌الطعام حسین‌خان لکنه‌وئی و کتاب مجهول‌المؤلف خلاصه‌المآکولات والمشروبات و نیز دیوان حکیم‌سوری می‌توان معلومات سودمند بدست آورد. چنانکه در باب البسه نیز گذشته از مآخذ عام و کتب لغت از دیوان‌البسه نظام‌الدین قاری یزدی و از مطالعه تصاویر و نقوش و بررسی آنچه در موزه‌ها باقی است و مقایسه آنها با معلومات متفرق در کتب ادب و سفرنامه‌ها تا حدی می‌توان اطلاعات مفید بدست کرد و در باب خانه‌ها و بازارها و عمارات نیز گذشته از تحقیقات باستان‌شناسی و گزارشهای مندرج در سفرنامه‌ها جای‌جای از کتب شعر و ادب و حکایات و قصص بعضی اطلاعات می‌توان بدست آورد. مخصوصاً بعضی شعراء در وصف قصور و ابنیه معدوحان اطلاعات خوب داده‌اند و در قادیخ بیهقی وصف بعضی از عمارات مسعود آمده است، چنانکه توصیف بسیار جالبی از یک قصر سلطنتی در قادیخ طبرستان ذکر

شده است که بسیار قابل توجه است.^{۱۴۰} و بهر حال کتب راجع به تواریخ محلی مخصوصاً درین باب متضمن معلومات مفید است.

راجع به ماخذ تحقیق در ادیان و مذاهب رایج در ایران اسلامی، درین مختصر جای بحث نیست و هر یک از مذاهب متعددی که یکچند در بعضی نواحی این سرزمین ظاهر و رایج شده است جداگانه مستحق تحقیق است ولیکن چون تحقیق در ماخذ تاریخ عام ایران بدون اشارتی به مذاهب و ادیان رایج در آن تمام نیست ذکر بعضی نکات کلی درین باب—بدون اشارت به ادیان رایج در دوره قبل از اسلام—ضرورت دارد.

از اواسط قرن دوم هجری، مؤلفین اسلامی پاره بی اطلاعات در باب ادیان عرب داده اند که غالباً جامع و مهم بوده است. در رأس این مؤلفین ابن النکلی است صاحب کتابی بنام کتاب ادیان العرب که آن را باید بکلی غیر از کتاب الاضنام او دانست و در آن کتاب تحقیقاتی راجع به ادیان داشته است. در پایان قرن سوم هجری نیز یعقوب کندی کتابی در باب اختلافات اهل توحید داشته است بنام رسالة فی افتراق الملل فی التوحید. چندی بعد حسن بن موسی نوبختی از قدماء متکلمین شیعه کتابی کرد نامش کتاب الآداء والدیانات که اسم آن در مروج الذهب مسعودی آمده است و چنین برمی آید که بحث این کتاب در باب ادیان غیر اسلامی بوده است. ابوزید بلخی هم کتابی به نام شرائع الادیان داشته که نیز راجع به ادیان و عقاید غیر اسلامی بوده است و در آن ظاهراً تا حدی به مناقشه با ارباب ادیان نظر داشته است. عمق و دقتی هم که ابوریحان بیرونی در باب ادیان هند داشته است قابل توجه است. محمد بن عبیدالله المسبحی دانشمند حرانی الاصل فاطمی نیز کتابی مفصل به نام درک البغیة فی وصف الادیان والعبادات داشته است. چنانکه عبدالقاهر بغدادی نیز غیر از الفرق بین الفرق کتابی به نام کتاب الملل والنحل داشته است که راجع به مذاهب و ادیان غیر اسلامی در آن بحث و تحقیق کرده بوده است.^{۱۴۱}

از کتب راجع به مذاهب اسلامی که غالباً آنها محتوی مناقشه و مجادله در مسائلی جزئی و فرعی است که زیاده از حد کلی تلقی شده و ارباب مذاهب را به خون یکدیگر تشنه کرده است نیز ذکر بعضی که با تاریخ عقاید فرق و مذاهب رایج در ایران ارتباط داشته است خالی از فایده نیست. از آن جمله است کتاب الرد علی الزنادیق.

اللعین ابن المقفع تألیف قاسم بن ابراهیم زیدی که در آن بعضی معلومات راجع به عقاید منسوب زنادقه هست و دیگر رساله الرد علی الجهمیه از احمد بن حنبل و کتاب الرد علی الجهمیه از ابوسعید الدارمی و کتاب الاقتصاد خیاط معتزلی که در رد بر ابن الراوندی نوشته است و کتاب اعلام النبوه تألیف ابی حاتم رازی که در آن ظاهراً بر بعضی اقوال محمد بن زکریای رازی رد نوشته است. همچنین است کتاب الرد علی البدع والاهواء تألیف مکحول بن مفضل النسفی که در رد مذاهب و فرق مخالف است و کتاب مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین تألیف ابوالحسن اشعری که متضمن بحث و نقد مقالات ارباب مذاهب اسلامی است و کتاب التنبیه والرد علی اهل الاهواء والبدع تألیف ابوالحسن محمد بن احمد ملطی شامی و کتاب التمهید ابوبکر باقلانی و کتاب الفرق بین الفرق ابومنصور عبدالقاهر بغدادی و کتاب الفصل ابن حزم اندلسی و کتاب التبصیر فی الدین ابوالمظفر شافعی و کتاب الملل والنحل شهرستانی و نهایت الاقدام فی علم الکلام او و کتاب تلبیس ابلیس ابن الجوزی و اعتقادات فرق المسلمین امام فخر- رازی و بغیة المرقاد ابن تیمیه و کتاب المنیة والامل ابن المرتضی و تبیین کذب المفتری تألیف ابن عساکر، وغالب این مؤلفین در بیان عقاید مخالف فرصت تحقیق مستقل نداشته اند و اکثر مطالب را از یکدیگر گرفته اند و منقولات سابقین را بدون تحقیق شخصی تکرار کرده اند. با اینهمه، از مجموع آنها و از نقد درست آنها می توان تا حدی به مذاهب مختلف اسلامی که از بعضی از آنها نیز کتابهایی باقی مانده است وقوف یافت و چند کتاب فارسی هم مثل بیان الادیان ابوالمعالی علوی و تبصرة العوام سید مرتضی رازی و رساله هفتاد و سه ملت و رساله منتخب المذاهب محمود طاهر غزالی و کتاب دبستان المذاهب محسن فانی می توان بر فهرست فوق که بهرحال فهرست جامعی نیست افزود و در تحقیق جنگ هفتاد و دو ملت اسلامی از همه آنها استفاده تمام برد. چنانکه در باب مذاهب شیعه که مخصوصاً در تاریخ عام ایران - خاصه از عهد صفویه به بعد - اهمیت بسیار دارد، نه فقط کتبی مانند فرق الشیعه نوبختی و کتاب النقض عبدالجلیل قزوینی و تبصرة العوام مرتضی رازی و الصوادم المهرقة قاضی نورالله شوشتری و احقاق الحق، او بلکه حتی کتابهایی که در رد شیعه تألیف یافته، مثل منهاج السنة ابن تیمیه و المنتقى من منهاج الاعتدال حافظ ذهبی و الصواعق المحرقة ابن حجر هیتمی و الرد علی منهاج الکرام قاضی روزبهان و النواقض میرزا مخدوم و امثال آنها نیز مورد

توجه مورخ است و مطالعه این هردو دسته در فهم تحول اوضاع دینی و اجتماعی ایران در قرون جدید لازم است.

راجع به فرقه اسماعیلیه، که در تاریخ ایران اهمیت خاص دارد، کتب و اسناد بسیار در دست است که حتی فهرست آنها خود موضوع مقاله‌ها و رساله‌هاست. تا کنون تعداد نسبتاً زیادی از کتب عقاید این طایفه منتشر شده است که ذکر فهرست کامل آنها نیز درین موضع ممکن نیست، از آن جمله است اساس التأویل قاضی نعمان مغربی که در بیان تأویلات باطنی است و مزاج التنسیم ابن هبة الله سلیمانی که در تفسیر است و کتاب الریاض حمید الدین کرمانی که در حکمت و کلام است و دعائم الاسلام قاضی نعمان که در بیان حلال و حرام و ذکر قضایا و احکام است و قواعد عقاید آل محمد تألیف دیلمی و داحه العقل حمید الدین کرمانی و کتاب الکشف منسوب به داعی جعفر بن منصور و کشف المحجوب سجستانی و جامع حکمتین ناصر خسرو و وجه دین و خوان الاخوان و رساله شش فصل و گشایش و دهایش منسوب به او و المجالس المستنصریه، و الهدایة الآمریه و الهمة فی ادب اتباع الائمة و کتاب الهفت والاظه منسوب به مفضل جعفی و «رضة التسلیم» یا رساله تصورات منسوب به خواجه نصیر الدین طوسی و رساله ام الكتاب و چندین مجموعه از رسایل دیگر که کسانی مثل کامل حسین و عارف تامر و اشتروتمان (Strothmann) و ایوانف (Ivanov) منتشر کرده اند و همه این کتب شامل اصول عقاید یا فروع مذاهب اسماعیلیه است و بعضی کتابهای دیگر هست که در آنها مخصوصاً فواید تاریخی بدست می آید مثل سیره المؤید فی الدین به قلم خودش که معلومات خوبی راجع به احوال اسماعیلیه و عامه در جنوب ایران در عهد دیالمه بدست می دهد. همچنین از دوره بعد از مغول کتابهایی مانند کتاب مشهور به سی و شش صحیفه در رسایل حکمت و تأویلات از مصنفات سید سهراب ولی بدخشانی که در سنه ۸۵۶ هجری قمری تألیف یافته است و کتاب هفت باب یا کلام پیر که ظاهراً در اوایل عهد صفویه تألیف شده است و تصنیفات خیرخواه هراتی و پندیات جوانمردی از موعظت مولانا امام شاه المستنصر بالله ثانی و رساله در حقیقت دین از تصنیفات شهاب الدین شاه که در اوایل قرن سیزده تصنیف شده و کتاب هدایة المؤمنین - الطالبین که اخیراً در روسیه با عنوان غلط بهدایة المؤمنین چاپ شده است باقی است که مطالعه آنها برای فهم دعاوی و عقاید این طایفه در قرون اخیر ضرورت تمام دارد و البته در تحقیق عقاید این فرقه مطالعه کتابهایی نیز که در رد آنها تألیف یافته است

مثل کشف الاسرار الباطنیة محمد بن مالک یمانسی و بقیة المرقاد ابن تیمیه و التنبیهات -
الجلیه محمد کریم خراسانی و نظایر آنها خالی از فایده نیست چنانکه در کتب عام
راجع به عقاید و فرق و ملل و نحل نیز غالباً مقالات آنها - منتهی به با بیطرفی -
ذکر شده است و در تحقیق عقاید اسماعیلیه مراجعه به همه اینگونه مآخذ واجب است و
تحقیقات جدید که در جای دیگر از آن سخن خواهد رفت مورخ را در استفاده ازین کتب
راهنمایی خواهد کرد.

در باب حروفیه، مآخذ عمده غیر از کتب تواریخ، رسالات خاص آن فرقه است
مثل جاودان کبیر و نوم نامه و هدایت نامه و عرش نامه و کرسی نامه و آدم نامه که شرح و نقد
مندرجات بعضی از آنها در کتاب ترکی کشف الاسرار تألیف اسحق افندی آمده است
و تحقیقات براون و کلیمان هوار و دکتر رضا توفیق و دکتر صادق کیا محتویات قسمت عمده
موادی را که از این متون باقی مانده است شرح می دهد. راجع به نقطویه یا پسیخانیان
نیز بعضی متون بازمانده است مثل رساله سؤال و جواب محمود پسیخانی و رساله مشهور
به مفاتیح، و به کمک بعضی روایات و تواریخ می توان ازین متون استفاده تمام کرد.
چنانکه مآخذ عقاید و مذاهب شیخیه را در فهرست تألیفات مشایخ آن طایفه که
آقای ابوالقاسم ابراهیمی مشهور به سرکار آقا تحت عنوان فهرست کتب اجل اوجد
مرحوم شیخ احمد احسانی و سایر مشایخ عظام و خلاصه شرح حال ایشان تألیف کرده
است می توان یافت و در باره بایبه و بهائیه نیز مواد و مآخذ نسبتاً زیاد باقی
است. از آنجمله غیر از کتب باب مثل بیان فارسی و عربی و متمم بیان و مجموعه چند
تفسیر و مناجات و مکتوب که فهرست آنها در نقطه الکاف میرزا جانی آمده است، کتاب
هشت بهشت منسوب به شیخ احمد و میرزا آقاخان کرمانی و آثار منسوب به طاهره
قره العین و کتاب ایقان میرزا حسینعلی نوری (که بعد بهاء الله خوانده شد) منبع عمده
اطلاعات است و در باره مذهب بهائیه نیز غیر از کتب و آثار بهاء الله مثل کتاب اقدس
و الواح فارسی و عربی کتب عبدالبهاء مثل کتاب خطابات عبدالبهاء و مفادضات و
کتاب فرائد میرزا ابوالفضل گلپایگانی و کتب و رسالات و الواح شوقی افندی متضمن
بعضی اطلاعات است و البته از کتب ردود نیز مثل رساله حاج محمد کریمخان کرمانی
موسوم به دباب خسران مآب و رساله زین العابدین خان موسوم به صواعق البرهان و
همچنین منهاج الطالبین و دلیل المنهاج حسینقلی جدید الاسلام و فلتات اهل ایمان
محمد رضا افضل و باب و بهاء را بشناسید تألیف میرزا فتح الله مفتون یزدی و امثال

آنها که در کتاب الذریعه نام غالب آنها آمده است می توان درین باب کسب فواید کرد. در باب تاریخ باب و بهاء غیر از تواریخ عام قاجاریه و کتبی نظیر المتنبین شاهزاده علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه - که قسمت راجع به سید باب آن تحت عنوان فتنه باب در طهران منتشر شده است - می توان از نقطه الکاف تألیف میرزا جانی کاشانی که ادوارد براون طبع کرده است و تاریخ جدید میرزا علی محمد باب تألیف میرزا حسین همدانی که تا حدی عبارت از یک تحریر تازه از تاریخ میرزا جانی - منتهی بروفق مصلحت بهائیه - است و تاریخ نبیل زدندی که اشراق خاوری ملخصی از آن را منتشر کرده است و تاریخ شهداء یزد تألیف حاجی محمد طاهر المیری که در بیان زجر و تعقیب بایه و بهائیه لحنش از مبالغه خالی نیست و خواننده را به یاد روایات سریانیان عهد ساسانی می اندازد و نیز از کتاب الکواکب الدویه تألیف عبدالحسین آواره (که بعدها آیتی یزدی خوانده شد) و کتاب ظهور الحق فاضل مازندرانی نام برد. همچنین از کتابهای مثل بهجة الصدور حاج میرزا حیدر علی اصفهانی و کشف الغطاء میرزا ابوالفضل گلپایگانی تا حدی احوال محیط فکری و دینی بهائیه بدست می آید. چنانکه از بعضی کتب مشتمل بر طعن و رد آنها نیز مثل کشف الحیل آیتی و فلسفه نیکو و کتاب صبحی می توان تصویری - ولیکن نه بکلی درست و عاری از شایبه اغراض - از احوال و اوضاع محافل و مجالس بهائیه بدست آورد.

اینجا مناسب است که به بعضی از تألیفات مهم و مشهور در السنه اروپائی نیز اشارتی بشود. مشهورترین کتاب جامع به زبان فرنگی درین باب تاریخ ایران است به انگلیسی در دو مجلد تألیف سرپرسی سایکس، که مؤلف در جلد دوم آن تاریخ ایران بعد از اسلام را بشرح بیان کرده است. اما این کتاب با وجود شهرت از بسیاری جهات فاقد ارزش و اهمیت است. چنانکه تفصیل زیادی راجع به مناسبات و روابط سیاسی ایران با ممالک بزرگ مخصوصاً در قرن نوزدهم میلادی داده است در صورتیکه راجع به وقایع و حوادث داخلی به اشارتی مجمل اکتفا کرده و در بسیاری مواد سکوت ورزیده است. در بعضی موارد نیز علی الخصوص در ذکر وقایعی که مؤلف خود در آن وقایع وارد بوده است تاریخ نویسی را فراموش کرده و تفصیلاتی نقل کرده است که شایسته نقل در سفرنامه هاست. روی هم رفته کتاب، خاصه در حوادث نزدیک به عصر ما مرجع

است لیکن البته با کتاب سرجان ملکم طرف نسبت نیست. تاریخ ایران سرجان ملکم با آنکه کهنه شده است هنوز معتبر و درخور توجه است. هم بدان سبب که مؤلف در حق سلاطین و رجال گذشته قضاوت‌های صریح و قاطع و جالب کرده است و هم از آن روی که اثر او متضمن اطلاعات مفید شخصی است، در احوال متأخرین زندیه و اوایل دولت قاجار. همین کتاب سرجان ملکم در تألیف تاریخ ایران مورد استفاده لوئی دو بو (L. Dubeux) فرانسوی واقع شده است. این مؤلف در حقیقت قسمت عمده اطلاعات خود را در باب وضع تمدن و طرز معیشت و شرح آداب و رسوم اهل ایران از کتاب سرجان ملکم گرفته است. مأخذ دیگر کتاب طرح عمومی تاریخ ایران است تألیف کلمنت مرکهم (C. Markham) به انگلیسی که مختصری است در یک جلد و ارزش زیادی ندارد. درین اینگونه تاریخ‌های مختصر چند کتاب در باب تاریخ ایران بعد از اسلام تا حدی اهمیت دارد. یکی تاریخ ایران در دوره اسلامی است تألیف پاول هورن (P. Horn) که در ضمن مجموعه معروف «اساس فقه اللغة ایران» طبع شده است و با وجود ایجاز و جمال متضمن نکات مهم و ملاحظات تازه است. این کتاب با حذف قسمت قاجاریه بقلم دکتر رضا زاده شفق به زبان فارسی ترجمه و تمام آن نیز اخیراً طبع شده است. همچنین است فصول راجع به تاریخ ایران در کتاب تاریخ ممالک و امم اسلامی بقلم کارل بروکلیمان و در کتاب تاریخ سرزمینهای اسلامی بقلم برتولد اشپولر؛ (B. Spuler) چنانکه دوره کتاب معروف تاریخ ادبی ایران تألیف ادوارد براون نیز حاوی تحقیقات و اطلاعات مفید در باب ادوار مختلف تاریخ ایران است. اما کتابی بنام تاریخ ایران از قدیم‌ترین ازمه تا پایان قرن هجدهم که اخیراً چند تن از خاورشناسان شوروی تألیف کرده‌اند و جزو نشریات لنینگراد طبع شده است، به تحلیل و تعلیل امور—خاصه بر مبنای نظرهای اقتصادی—بیشتر نظر دارد تا به توصیف وقایع و تدقیق در حوادث و اسباب مختلف آنها که مورد توجه مورخ غربی است. از این حیث، کتابی مانند رساله مختصر هینتس موسوم به ایران، سیاست و تمدن و همچنین رساله ایران اسلامی به قلم مینورسکی به زبان ایتالیائی که در ضمن مجموعه «تمدن‌های شرق» (Le Civilita dell'Oriente) چاپ شده است با وجود نهایت ایجاز بیشتر قابل ملاحظه‌اند.

درین تحقیقات کلی مربوط به احوال تمدن و مسائل راجع به فرهنگ این دوره از تاریخ ایران می‌توان از مطالعات هنری فیلد (H. Field) در باب سکنه ایران و کتاب بائوسانی (Bausani) بنام مذاهب ایران از زشت تا بهاء الله و کتاب

خانم لمبتون (Lambton) درباب مالك و ذادع در ايران ياد كرد چنانكه درباب زبانشناسی ايران نیز که توجه بدان برای مورخ تاحدی لازم است مطالعات و تحقیقات زیادی از طرف خاورشناسان نشر شده است که پروفیسور هنینگ (Henning) فهرست مفیدی از مهمترین آنها منتشر کرده است و برای اطلاع از حاصل پاره‌ی از آنگونه تحقیقات می‌توان به مجموعه آلمانی مشهور «اساس فقه اللغة ایران» و کتاب روسی اورانسکی (Uransky) موسوم به مدخل فقه اللغة ایران و همچنین به «جزوه‌های شرق‌شناسی» که تحت نظر اشپولر منتشر می‌شود و غیر از تاریخ و زبانشناسی یک مجلد از آن نیز وقف به بحث در عقاید و مذاهب شده است مراجعه نمود.

درین تألیفات اروپایی، آنچه مخصوصاً اهمیت بیشتر دارد عبارت است از تحقیقات جداگانه‌ی که محققان و خاورشناسان درباره سلاطین یا سلسله‌های مستقل و یا درباره دوره‌ی خاص کرده‌اند. اینگونه مطالعات چون غالباً مبتنی بر استقراء ماخذ قدیم معتبر و متکی بر روشهای مطمئن علمی است، از تواریخ عمومی دقیق‌تر است لیکن البته ارزش این تحقیقات بسته به تفاوت مراتب نویسندگان آنها و حد دقت و طول ممارست و غور و استقراء آنهاست. اینگونه تحقیقات تنها به صورت کتابهای جداگانه نیست بلکه گاه در مجموعه‌ها و یا در نامه‌ها و مجله‌های علمی به صورت مقالات انتشار یافته است و البته محقق را از مراجعه دائم باینگونه مجله‌ها و مجموعه‌ها چاره نیست. تعداد اینگونه تحقیقات از کتابهای مفصل و مقالات مختصر بسیار زیاد است و درین صحایف به همه آنها نمی‌توان اشاره کرد. از جمله درباره فتح ایران و دوره حکومت و استیلاء عرب در ایران تحقیقات و لهاوزن (Wellhausen) بسیار سودمند است؛ از آنمیان راجع به فتح سواد و عراق به دست اعراب روایات قدما را بدقت نقد کرده است و راجع به احزاب متخاصم سیاسی نیز تحقیقات مفید کرده است چنانکه تحقیقات او در باب دولت عربی و سقوط آن نیز جالب توجه است. همچنین کتاب فان فلوتن (Van Vloten) موسوم به تحقیقات در باب استیلاء عرب حاوی ملاحظات دقیق و سودمند در باب فتوح خراسان و ماوراءالنهر و اسباب سقوط بنی‌امیه است. در باب قسمتی ازین حوادث، غیر از کتاب مویر (W. Muir) موسوم به خلافت، طلوع، انحطاط و سقوط آن که با وجود قدمت تألیف و عدم اشتمال بر تحقیقات جدید هنوز مفید است مراجعه به دو کتاب بسیار مفصل و محققانه لئون کائتانی (L. Caetani) یکی موسوم به سالنامه اسلام که مشتمل